



## فهرست

### کلیساهای رسولان

۱	..... مقدمه
۳	..... تاریخ کلیسای رسولان
۷	..... کلیساهای پولس
۱۰	..... کلیساهای پطرس
۱۳	..... کلیساهای متی
۱۶	..... کلیساهای یوحنا
۲۰	..... کلیساهای توما
۲۶	..... مسیحیان و یهودیان
۳۰	..... در جاده های امپراتوری روم
۳۲	..... آیا اعمال رسولان کتابی تاریخی است؟
۳۵	..... خادمین در جوامع مسیحی
۴۰	..... نخستین مراسم عشاء ربانی
۴۳	..... کلیسا عروس و بدن عیسی
۴۵	..... اسقف، کشیشان، و شماسان در رسالات شبانی (اول و دوم تیموتائوس، تیتوس)
۴۸	..... مجوسیان فارس

این کتاب ترجمه ای است از:

**les dossiers de la Bible**  
**Eglises des Commencements**  
**Nov. 1995 No 60**

# کلیساهای رسولان

## مقدمه

کلیسا چگونه شروع شد؟ طبیعتاً مسیحیان برای پاسخ این سؤال به کتاب اعمال رسولان مراجعه می‌کنند، به خصوص به قسمت مربوط به عید پنطیکاست که آغاز کلیسا را نشان می‌دهد. ولی با این کار در واقع فقط نوشته‌های یکی از نویسندگان عهد جدید را خوانده‌ایم چون لوقا تنها کسی است که در مورد پنطیکاست صحبت می‌کند. با خواندن اعمال رسولان تنها به ندایی واحد که در مورد کلیسا با ما سخن می‌گوید گوش فرامی‌دهیم در صورتی که عهد جدید مشتمل بر حدود ده ندا است که اگر بخواهیم آنها را به ترتیب فعلی عهد جدید نام ببریم به این صورت است: متی، مرقس، لوقا-اعمال رسولان، یوحنا (انجیل)، رسالات و مکاشفه)، هفت رساله پولس به علاوه شش رساله منسوب به وی (از کولسیان و افسسیان تا رسالات شبانی به تیموتائوس و تیتوس)، رساله به عبرانیان، رساله اول پطرس، رساله یعقوب و بالاخره رساله دوم پطرس و یهودا.

چرا از ۹ ندای دیگر چشم‌پوشی می‌کنیم؟ در واقع باید گفت که بسیاری از کتابهای مذکور مانند انجیل مرقس یا رساله به عبرانیان به صورت روشن و واضح در مورد کلیسا صحبت نمی‌کنند. کتابچه حاضر ما را یاری خواهد داد تا صداهایی بیشتری را در مورد کلیساهای اولیه بشنویم: صدای پولس و شاگردانش، صدای پطرس، متی، یوحنا و لوقا (اعمال رسولان). آیا این صداها نوعی همسرایی موزون را ایجاد می‌کنند؟ خودتان قضاوت کنید. ولی روح پنطیکاست می‌داند چگونه بین مردمی که به زبانهای مختلف حرف می‌زنند رابطه برقرار کند درست همانند یهودیانی که از چهارده کشور در آن روز به اورشلیم آمده بودند. گوناگونی روح القدس را به هراس نمی‌اندازد بلکه برعکس «نعمتها انواع است ولی روح همان» (۱- قرن ۱۲:۴).

در اولین مبحث این کتاب نگاهی گذرا به جوامع شاگردان مسیح در حوالی سال ۱۰۰ میلادی که نگارش عهد جدید عملاً به پایان رسیده بود می‌اندازیم و در ادامه به بررسی سه مطلب دیگر که تکمیل‌کننده این منظره هستند می‌پردازیم: ابتدا روابط با یهودیان، سپس رسولان در خدمت جوامع مسیحی و بالاخره راز قربانی مقدس. بین تک‌صدایی و اصوات ناموزون حد متوسطی برای چند صدایی وجود دارد! روح القدس است که به ما می‌آموزد چگونه با هم گرچه با صداهای متفاوت پیام عیسای خداوند را بسراییم.



نزول روح القدس

در این شمایل که در سال ۱۲۲۲ توسط راهبی از کلیسای شرق نقاشی شده، شاگردان مسیح از جمله دوزن را می بینیم که در اتحاد با هم نشسته اند و دستشان به یک درب بسته اشاره می کند. ایشان چون روح القدس را یافته اند استغاثه می کنند که بر این درب بسته بیاید و آن را به روی دنیا باز کند. نشانه ای از مأمورین جهانی کلیسا.

## سالهای نخستین کلیسا

بین مرگ عیسی مسیح در سال ۳۰ میلادی و به رسمیت شناخته شدن آیین مسیحیت توسط امپراتور کنستانتین در سال ۳۱۳ (فرمان میلان) سه قرن فاصله وجود دارد. قرن اول که موضوع این کتاب است قرن انتشار چشمگیر مسیحیت در جهان بود. خطوط برجسته تاریخ اولیه کلیسا کدامند؟ چگونه جامعه کوچک مسیحیان اورشلیم در تمامی نواحی شرق مدیترانه پراکنده شد؟

ما که از دور به گذشته می‌نگریم به آسانی می‌توانیم این دوره را که از سال ۳۰ تا سال ۱۰۰ میلادی طول کشید یعنی تقریباً همان سالهایی که نگارش عهد جدید به پایان رسید، «سالهای نخستین» بنامیم. البته بایستی در مورد کلیسای صحبت کنیم که تا امروز ادامه دارد. مردم آن زمان متوجه ظهور دینی جدید نبودند. صاحب منصبان رومی پدیده مسیحیت را فرقه‌ای یهودی می‌دانستند و در نتیجه تا مدت‌ها متوجه اصالت آن نشدند، یهودیان که مذهبشان سازماندهی واحدی نداشت مسیحیت را شاخه‌ای دیگر از درخت یهودیت می‌دانستند و مسیحیان که در ابتدا پیروان «طریقت» نامیده می‌شدند ایمان خود را به مسیح در قالب یهودیت حفظ کردند.

### در قالب یهودیت

اگر چه واژه «کلیسا» از ریشه یونانی اکلیزیا به معنی «مجمع عمومی» یا «احضار عمومی» گرفته شده ولی با این حال کلیسا از تاریخ یهود سرچشمه می‌گیرد. مسیحیان اولیه کلیسا را ادامه همان فراخوان عمومی می‌دانستند که خدا در زمان خروج در صحرا اعلام کرده بود (اع ۷:۳۸).

کلیسا به طور رسمی در پنطیکاست سال ۳۰ میلادی تولد یافت ولی نویسنده کتاب اعمال رسولان قبل از داستان حنانیا و سفیره در ۱۱:۵ اسمی از کلیسا نمی‌برد و سپس از این کلمه برای تعریف «کلیسای محلی» و گاهی نیز برای «کلیسای خدا» که منظور بدن مسیح و اتحاد کلیساهاست استفاده می‌کند. بدین ترتیب حدود یک نسل تعلق مسیحیت به یهودیت بدیهی به نظر می‌رسد. درگیریهای مداوم با صاحب منصبان یهود از یک طرف و مابین پیروان مسیح از طرف دیگر باعث شد که به تدریج هویت مسیحی شکل بگیرد. بحران‌هایی در سال ۷۰ میلادی پس از خراب شدن معبد به وقوع پیوست. فریسیان که در جامنیا جمع شده بودند شاگردان عیسی ناصری را از اجتماع خود طرد کرد.

### محیطهای باز یهودی



**پولس رسول در حال تعلیم در کنیسه دمشق. موزاییک متعلق به قرن ۱۲ در موثریال**

مسیحیت نخستین موفقیت‌های خود را در محیطهای مذهبی ای کسب کرد که با کاهنان و روحانیون معبد منازعات عمیق داشتند. در این مورد باید قبل از هر چیز به جلیل اشاره کنیم. عیسی «ناصری» و همین‌طور شاگردانش که هسته مرکزی جامعه مسیحیان اورشلیم را تشکیل می‌دادند جلیلی بودند. جلیل محل اختلاط نژادی و مذهبی بود و در آنجا راست‌دینی خشک یهودیه و روحانیون معبد چندان مورد پسند واقع نمی‌شد. از سوی دیگر ساکنین یهودیه اهالی جلیل را حقیر می‌شمردند. پرسش نتنائیل از فلیپس را به یاد آورید: «مگر می‌شود که از ناصره چیزی خوب بیرون آید؟»

دومین محیط فرهنگی که به پیام مسیح گوش فرا داد اجتماع تعمیدیان بود که به خاطر شخصیت قدرتمند

یحیی تعمید دهنده معروفیت داشت. این جنبش که کتاب اعمال رسولان (۱۹: ۲-۷) به ارتباط آن با پولس می‌پردازد، در پی توبه و دگرگونی حقیقی قلبی بود. مسیحیت توجه به فقرا و رانده‌شدگان و همچنین اعتراض به وجود ملتی برگزیده را از این گروه اقتباس کرده است. اما با نفوذترین و موثرترین گروه هلنستیان بودند. این یهودیان که فرهنگ و زبان یونانی داشتند در حاشیه مدیترانه مناطق مهاجرنشین آزاد و فعالی داشتند. آنان در کنیسه‌هایشان کتب مقدسه به زبان یونانی یعنی هفتادتنان را قرائت می‌کردند. عهد جدید مکرراً از این ترجمه نقل قول می‌کند. هلنستیان به ارجحیت معبد معترض بودند و با کاهنان و روحانیون آن مخالفت می‌کردند. جامعه نوپای مسیحی که استیفان یکی از اعضای آن بود نخستین جفاها را در حوالی سال ۳۶ متحمل شد که بانی آن مقامات روحانی معبد بودند. (اع ۸: ۴-۸). بعد از این حوادث هلنستیان به رهبری فیلپس کلام خدا را خارج از اورشلیم و فلسطین انتشار می‌دادند و طرف صحبتشان مهاجران یهودی پراکنده در میان آنها بود (اع ۸: ۵-۴۰).

### شهامت اهالی انطاکیه

هلنستیان قبرسی و قیروانی در حوالی سال ۴۰ میلادی به خود جرأت دادند تا گام بزرگی بردارند و کلام خدا را در انطاکیه به بت‌پرستان و یونانیان نیز اعلام کنند (اع ۱۱: ۱۹-۲۶). بسیاری در نتیجه اقدام ایشان ایمان آوردند و کلام مسیح مرزهای آیین یهود را پشت سر نهاد. دیگر شاگردان خود را به یهودیت نسبت نمی‌دادند در نتیجه می‌بایست برای خود نامی

برمی‌گزیدند. آنها نام «مسیحی» را در انطاکیه برای خود انتخاب کردند. بعد از این واقعه مهم، درهای امپراتوری روم با تمام عظمت و فریبندگی‌اش به روی مسیحیان گشوده شد. کلیسای انطاکیه بعدها برنابا و پولس را برای بشارت به سوی قبرس و آسیای صغیر روانه نمود.

### امپراتوری روم، دنیای عظیم

تمدن رومی از خصوصیات یهودی به کلی دور بود و در همین محیط بود که مسیحیت جهان شمولی خود را به بهترین وجه ثابت کرد. تعلیمات مسیحی زمانی انتشار یافت که دنیای روم از نظر سیاسی و اقتصادی وضعیت تثبیت شده‌ای داشت و صلح، عدالت و حمایت نظامی را در اختیار همه قرار می‌داد. امپراتور سمبل انسجام امپراتوری بود، او مستبدان محلی را فرو می‌نشاند، با فساد مبارزه می‌کرد و به فریاد دادخواهی شهروندانش گوش می‌داد. در نتیجه جای تعجب نیست که از دوره آگوستس (۲۷ ق.م تا ۱۴ م.) به بعد آیین پرستش امپراتور ایجاد شده بود. ادای احترام نسبت به مجسمه امپراتور گواه لیاقت و خوبی شهروندان محسوب می‌شد.

ولی این آیین جدید، مانع سایر وابستگی‌های مذهبی نمی‌شد. دنیای روم پر از تبلیغات مذاهب متنوع بود. مذاهبی سنتی از قبیل پرستش طبیعت یا خدایان کشت و زرع یا گله‌ها هنوز هم در روستاها رایج بود ولی این مذاهب در شهرها رونق کمتری داشتند چون دیگر جواگوی احتیاجات مذهبی شهرنشینان نبودند. در واقع نوع جدیدی از دینداری در آن دوره به صورت‌های مختلف مشاهده می‌شد. بعضی به فلسفه به ویژه به آیین رواقیون روی آورده بودند؛ گروهی نیز به ستاره‌شناسی معتقد بودند. بردگان، سربازان و کارگران ادیان سری و رازگونه شرق را با خود آورده بودند. طرفداران این مذاهب اعتقاد داشتند که تنها معدودی از برگزیدگان، با پشت سر گذاشتن مراحل مختلف و طی تشریفات مذهبی خاصی می‌توانند امید رستگار شدن داشته باشند. معروفترین این آیین‌ها، آیین ستایش ایزیس الهه مصری؛ میترا الهه ایرانی و سیبل الهه آسیایی بودند.

### موضع گیریهای شدید و تصمیمات مؤثر

مسیحیت تفاوت خود با این مذاهب را خیلی زود آشکار کرد. آیین مسیحی ارزش زیادی برای زندگی و معیارهای اخلاقی قائل بود و امتیاز و برتری افراد را رد می‌کرد. در دنیایی پر از نابرابری به نحوی که تعداد برده‌ها پنج برابر مردان آزاد بود، مسیحیت برابری اساسی انسانها را در مقابل خدا اعلام می‌کرد و در میان اعضای خود زندگی برادرانه‌ای مقرر می‌نمود. در پرتو آیین مسیح مستضعفان، مستمندان و حتی بردگان جایگاه تازه‌ای برای خود

می یافتند. رساله اول پولس به قرن‌تیان اولین برخورد بین فرهنگ رومی و کلیسای نو پا را که هنوز یهودی محسوب می شد نشان می دهد. سؤالاتی برای اعضای کلیسا مطرح می شد، به عنوان مثال آیا می توان گوشت قربانی را خورد؟ آیا برده فراری باید نزد صاحبش بازگردد؟ آیا مسیحیان حق دارند به دادگاههای بت پرستان متوسل شوند؟ چه قوانینی بر روابط جنسی حاکم است؟

مسیحیت می بایست در مقابل سؤالات فراوانی از این دست مواضع خود را مشخص می کرد و عظمت این کار منجر به نخستین بحران جدی شد (حدود سال های ۴۸-۴۹) که باعث تشکیل شورای اورشلیم گردید. در واقع تعداد مسیحیانی که پیش از آن بت پرست بودند رو به افزایش بود، آیا آنها نیز می بایست از تمامی آیین یهود پیروی کنند، ختنه شوند و امتناع از بعضی خوراکیها را رعایت کنند؟ سرانجام نظریات پولس مورد قبول واقع شد. به نظر او لزومی ندارد بت پرستان ابتدا یهودی شوند و سپس مسیحی، و بدین ترتیب آخرین مانعی که سد راه اعلام انجیل به بت پرستان بود برداشته شد.



## کلیساهای پولس

بیشترین اطلاعاتی که در مورد جوامع مسیحی اولیه در دست داریم راجع به اجتماعی است که پولس بین سالهای ۵۰ تا ۶۵ میلادی برایشان نامه نوشته است. در نسلهای بعد، شاگردان پولس با نوشتن نامه هایی به کولسیان، افسسیان و همچنین به کلیساهایی که پولس به تیموتائوس و تیتوس واگذار کرده بود تعالیم او را ادامه دادند. کتاب اعمال رسولان نیز مانند تعدادی از رسالات پولس از رقابتهایی حکایت می کند که کلیسای یهودی-مسیحی اورشلیم با پولس و شاگردانش داشت. اداره این کلیسا به عهده یعقوب «برادر خداوند» بود. در حدود سال ۴۹ شورای معروف اورشلیم (اع ۱۵) قانونی بودن رسالت پولس را اعلام نمود با این حال سعی داشت او را تحت کنترل خویش نگاه دارد (برخوردی که در انطاکیه بین پولس و پطرس روی داد، غلا ۱-۲). در تمام طول خدمت پولس رقابت یهودیان یا همان طور که خودش می گوید یهودی-مسیحیان با وی به چشم می خورد. رساله به غلاطیان که در حوالی سال ۵۵ م. نوشته شد نشان می دهد که پولس با چه نیرویی می خواسته که بت پرستان بی آن که ابتدا مجبور باشند یهودی شوند بتوانند به انجیل دسترسی پیدا کنند.

### سخنی چند درباره این کلیساها

پولس که شهروند روم و اهل طرسوس بود در شهرهای بزرگ احساس راحتی بیشتری می کرد و اجتماعات خود را در آنها پایه گذاری می نمود، در فیلیپی، تسالونیک، کورنتس، افسس. کتاب اعمال رسولان در مورد خدمت پولس در شهرهای انطاکیه، قبرس، ایقونیه، لسره، آتن، ترواس و ملیطه نیز سخن می گوید. بر روی نقشه هایی که مسیر مسافرتهای پولس را نشان می دهند چند نکته قابل توجه است. ابتدا پراکندگی کلیساهایی که پولس پایه گذاری کرده بود و سپس قرار داشتن این کلیساها در بنادری که اهالی آنها از نژادهای مختلف و با فرهنگهای متفاوت بودند، بعضی از این کلیساها نیز بر سر راههای اصلی امپراتوری روم قرار داشتند. شخصیت قدرتمند پولس و نفوذ او در امپراتوری روم سبب می شد که بتواند خود را با این جمعیتهای متنوع تطبیق دهد.

با تعمق در سلامهایی که در آخر رسالات پولس به چشم می خورد اطلاعات گوناگونی در مورد مسیحیانی که این کلیساها را تشکیل می دادند کسب می کنیم. اکثر نامها یونانی یا لاتین است که نشان می دهد اعضای این کلیساها بیشتر از امتهای بوده اند. می توان نام شصت مرد و حدود شانزده زن را یافت که پولس از بیشتر آنها با عنوان همکاران یاد کرده است. همچنین «خانه» هایی هم ذکر شده که جلسات مسیحیان در آنها برگزار می شد (به عنوان مثال فیلی ۲ و

کول ۱۵:۴). در شهرهای بزرگ مراکز تجمع متعددی وجود داشته و همین تعدد باعث رقابتهایی می شده است، مثلاً در قرن‌تس. از مضمون برخی نامه‌ها (مثلاً ۱-قرن) چنین برمی آید که در این گردهمایی‌های خانگی افرادی از طبقات اجتماعی متفاوت دور هم جمع می شدند. پولس بارها به اربابان و غلامانی که در این جلسات شرکت می کردند نصیحتی کرده است. با توجه به مشکلاتی که امروزه در کلیساهایمان به وجود می آید به سادگی می توان مشکلاتی را که در چنین اجتماعاتی وجود داشته حدس زد، آن هم در جامعه‌ای که اختلافات طبقاتی اجتماعی بیشتر و شدیدتر از امروزه بوده است.

### کلیسا و کلیساهای

برای آن که بتوان خطوط مهم و برجسته‌ی هیات کلیسای پولس را به دست آورد ابتدا بایستی رسالاتی را که خود او نوشته از رسالاتی که بعدها شاگردانش نوشته اند مجزا کرد. پولس رساله اول و دوم فرنتیان را «به کلیسای خدا که در قرن‌تس است» نوشت و رساله اول (و دوم) تسالونیکیان را «به کلیسای تسالونیکیان». برای یونانیان غیر مذهبی، واژه اکلزیا معرف جمعیتی بود که به علت خاصی دور هم گرد آمده بودند (مثلاً جمعیتی که به مناسبت شورش زرگران در شهر افسس تشکیل شده بود، اع ۱۹:۳۲، ۳۹، ۴۱). ولی اصطلاح «کلیسای خدا» از ترجمه‌های کتاب هفتادتنان اقتباس شده که معرف «جماعت خداوند» در سفر تثنیه ۲۳:۲-۴ است. اصطلاح اخیر بیانگر این است که خدا این گروه را از مصر بیرون آورده و به سوی خویش فراخوانده تا از ایشان قومی برای خود بسازد. در قرن‌تس نیز همان طور که در تسالونیککی یا در جاهای دیگر، اجتماعات محلی همان کلیسای خداست که با همه اجتماعات دیگر در اتحاد بوده است. به همین خاطر است که کلمه «کلیسا» در هفت نامه‌ای که پولس نوشته تقریباً همیشه معرف جماعتی محلی است (در ۴۰ مورد از ۴۷ مورد مصداق دارد).

### بدن مسیح

پولس در هر هفت رساله خود از کلمه بدن برای نشان دادن روابطی که مسیحیان را با یکدیگر متحد می سازد سخن می گوید. به نظر می رسد پولس اصطلاح رواقیون را در این مورد به کار می برده. آنها جهان را به صورت بدن عظیمی تصور می کردند که هر انسان در آن جای خود را دارد. در رساله ۱-قرن ۱۲ پولس همین مقایسه بین بدن و اعضای آن را بسط می دهد. ولی تفاوت آنچه پولس می گوید با آنچه رواقیون می اندیشیدند در این است که پولس از «بدن مسیح» سخن می گوید. اگر مسیحیان با هم پیکری را تشکیل بدهند آن پیکر مسیح است (۱-قرن ۱۰:۱۷؛ روم ۵:۱۲). اما این تنها تصویری ذهنی نیست

چرا که برای مسیحیان این تصویر از بدن جسمانی مسیح ریشه می گیرد، همان بدن جسمانی که مصلوب شد و سپس روح القدس خدا برای رستاخیزش در آن فرو رفت. پولس از هر دو معنی کلمه استفاده می کند: بدن مسیح همان شخص زنده اوست و در عین حال «کالبدی» است که توسط روح القدس جان می گیرد و شامل همه تعمید یافتگانی است که در مسیح متحد شده اند.

بعدها در نامه هایی که پولس یا شاگردانش نوشتند معنی این کلمه تحول یافت. در نامه های بعدی کلمه «کلیسا» به صورت مفرد به کار می رود و نشان دهنده جماعت مسیحیان است (۱۲ بار از مجموع ۱۶ باری که این واژه به کار رفته) و دیگر به معنی کلیسای محلی به کار نمی رود و مخصوصاً کلمه «بدن مسیح» به معنی کلیسا به عنوان یک واقعیت جهان شمول به کار رفته است. برای اثبات این مطلب می توان به این نکته اشاره کرد که بعد از این سر این بدن یعنی مسیح از اعضای آن که همان تعمید یافتگان هستند تمییز داده می شود (کول ۱: ۱۸، افس ۱: ۲۲-۲۳). برای مطالعه بیشتر در خصوص این مطلب به «گروههای مطالعاتی کتاب مقدس» صفحه ۴۹ رجوع کنید.



پولس و پطرس رسول. برنز. ایتالیا قرن ۴.

## کلیساهای پطرس

دو نامه از مجموعه نوشته های عهد جدید نام پطرس را بر خود دارند ولی از نظر لحن، سبک و طرز فکر تفاوت زیادی با هم دارند. تنها اولین رساله می تواند از آثار شاگردان بلا فصل پطرس رسول باشد. چه اطلاعاتی در مورد کلیساهایی که پطرس بنیان نهاد و درگیر تجربیات سختی بودند از رساله اول پطرس می توانیم به دست آوریم؟

اولین نامه پطرس خطاب «به غریبانی که پراکنده اند در پنطس، غلاطیه، کپدوکیه و آسیا و بطانیه» یعنی مناطق مختلف ترکیه امروزی نوشته شده است. از سوی دیگر می دانیم که برخی از این کلیساها به خصوص در غلاطیه و در آسیای صغیر را پطرس پایه گذاری کرده بود. در مورد اصل و نسب این مسیحیان ظاهراً آنها از امتها بوده اند هرچند کلمه «پراکنده» ما را بی اختیار به یاد یهودیان می اندازد چون در بسیاری از متون کتاب مقدس از این کلمه برای ذکر نام یهودیان استفاده شده است، با این حال در مورد این افراد می خوانیم که ایشان قبلاً «به اراده امتها عمل می نمودند و در فجور... و بت پرستیهای حرام زندگی می کردند» و نیز اینکه اطرافیان نشان آنان را سرزنش می کنند که چرا نحوه زندگیشان تغییر کرده است (۴:۳-۴). آنها دچار تجربه های گوناگون شده بودند (۶:۱)، تجربیاتی چنان سخت که به کوره آتش تشبیه شده اند (۱۲:۴). آیا تا آن زمان به طور علنی مورد جفا قرار گرفته بودند؟ به هر حال ایشان رنج می بردند و بت پرستان ایشان را دشنام می دادند (۴:۴) و از آنها خواسته می شود که به اتفاقاتی که برایشان رخ می دهد به عنوان واقعه ای عجیب نگاه نکنند «که گویا چیزی غریب بر شما واقع شده باشد» (۱۲:۴) چون بدین ترتیب «در رنجهای مسیح» شریک می شدند. «اگر به خاطر نام مسیح رسوایی می کشید خوشا به حال شما...» (۱۳:۴، ۱۴).

### مسیح، شبان و مرجع

نویسنده اولین نامه پطرس با عشق و ایمان در مورد مسیح صحبت می کند و در پی پایه گذاری الهیاتی بسیار مستحکم و سازمان یافته نیست. عیسی را مسیح، خداوند و نجات دهنده می خواند و خدا را پدر او خطاب می کند (۳:۱). روحی که در گذشته انبیا را الهام می بخشیده همان روح مسیح است که در مورد او حرف می زده (۱۱:۱-۱۲). در این نامه بیشتر بر رنجهای مسیح و نیز جلالی که خدا به وی عطا کرده تأکید شده است. در واقع این تأکید بیشتر برای دلگرم کردن مسیحیانی بوده که گرفتار سختی بودند. عیسی «سنگ زنده رد شده از مردم لکن نزد خدا برگزیده و مکرم» است (۴:۲). «زیرا که مسیح نیز برای گناهان یک بار زحمت کشید یعنی عادل برای ظالمان» و «به حسب جسم مرد لکن به حسب روح زنده گشت» (۱۸:۳).

با این حال همان عیسی مسیح که مرد «به آسمان رفت و به دست راست خداست» و بعد از این «فرشتگان و قدرتها و قوآت مطیع او شده اند» (۲۲:۳). او همیشه همان مسیحی است که از ازل بوده و «پیش از بنیاد عالم معین شد لکن در زمان آخر برای شما ظاهر گردید» (۲۰:۱). مسیحی او را محبت می کند و بدون آن که او را دیده باشد به او ایمان دارد (۸:۱) و به بازگشت ثانویه او امیدوار است (۱۳:۱) و در او الگویی برای رفتار خویش می یابد (۲۱:۲-۲۵). به طور خلاصه باید گفت جز در مسیح رستگاری، شادی و نمونه ای برای زندگی وجود ندارد.

### قوم خدا

نویسنده اطلاعات چندانی در مورد سازماندهی این کلیساها به ما نمی دهد. تنها در ابتدای نامه، از پطرس به عنوان «رسول عیسی مسیح» یاد می کند. در باب پنجم توصیه هایی برای «مشایخ» (کشیشان) وجود دارد و نویسنده خود را نیز از جمله آنان ذکر می کند. او از مشایخ می خواهد تا «بر کسانی که به دست آنها سپرده شده اند خداوندی نکنند» بلکه «به جهت گله نمونه باشند» (۳:۵). از وظایف دیگری نیز در زندگی این جوامع مسیحی یاد شده مثل خدمت کلام و خدمت به نیازمندان، «هر یک به حسب نعمتی که یافته باشد» (۴:۱۰-۱۱).

نویسنده با افتخار در مورد عناوین این کلیساها که از یهودیت اقتباس شده سخن می گوید، عناوینی مثل «قبیله برگزیده، کهانت ملوکانه، امت مقدس، قومی که ملک خاص خدا باشد... و الان قوم خدا هستید» (۹:۲-۱۰). این احساس تعلق، پراکندگان، تبعید شدگان و جفا دیدگان را تسلی می داد. آنان که ایمان آورده بودند از این که «سنگهای زنده» در هیكل خدا شده اند احساس غرور می کردند. حتی بیش از این، زندگی آنها از این پس منحصر به خدمات کلیسایی و وقف خدای زنده می شد «تا قربانیهای روحانی بگذرانند» (۵:۲).

افتخار به «قوم خدا» بودن می توانست برای ایشان همان خطری را به وجود آورد که برای قوم اسرائیل به وجود آورده بود. مسیحیان با این تصور که قوم برگزیده هستند می توانستند فراموش کنند که این بخشش رایگان خداست و به خاطر لیاقت شخصی ایشان نیست. «ملک خاص خدا» بودن مسؤولیتهایی به همراه دارد و دست آویزی برای تحقیر کردن بت پرستان نیست. این گونه صحبت کردن در مورد کلیسا آیا این توهم را به وجود نمی آورد که کلیسا جایگزین قوم اسرائیل شده و در واقع به جای کسانی که نسبت به خدا امین نماندند قوم محبوب خدا شده است؟ تاریخ نشان داده که این توهم واهی نیست و حتی مسیحیانی هستند که به برگزیدگی افراد معتقدند و فکر می کنند که «خارج از کلیسا رستگاری نیست!» نویسنده این نامه برعکس توصیه می کند «پیوسته مستعد باشید تا هر که سبب امیدی را

که دارید از شما بپرسد او را جواب دهید لیکن با حلم و ترس و ضمیر خود را نیکو  
بدارید...» (۱۶-۱۵:۳).

## کلیساهای متی

متی انجیل خود را در حدود سال ۸۰ برای جوامع مسیحی سوریه نوشت. هر چند اعضای این کلیساهای یهودی الاصل بودند با این حال بت پرستان را به سوی خود جلب کرده بودند. همزیستی بین این مسیحیان که از دو منشاء متفاوت بودند خالی از اشکال نبود به خصوص که صاحب منصبان یهودی تصمیم گرفته بودند شاگردان عیسای ناصری را از کنیسه ها اخراج کنند. بر سر چنین جوامع شکننده ای چه خواهد آمد؟

کلیسای متی بر اساس این باور تاسیس شده بود که عیسی مسیح قیام کرده در میان کلیسا زندگی می کند. ولی باگذشت سالها واقعه عیسی در اذهان کم رنگ شده بود و عاداتهای کهنه، شور و هیجان اولیه را سرد کرده بودند. انجیل متی سعی دارد اذهان را دوباره بر شخص مسیح متمرکز کند و تعالیم او را زنده نگاه دارد. تعالیم متی درباره کلیسا را که در قالب یک روایت و دو خطابه آمده اند بشنویم.

### طوفان آرام شده (متی ۸: ۲۳-۲۷)



در این روایت بسیار نمادین هیچ چیز خارق العاده ای به چشم نمی خورد: نویسنده توجه خوانندگان را به سوی عیسی در قایق جلب می کند. ناگهان طوفانی بر پا می شود که متی از آن به عنوان «زلزله» یاد کرده است. شاید این «زمین لرزه» برای مسیحیان یادآور اخراجشان از کنایس یا جفاهای دومیتیان بوده است. (دومیتیان امپراتور روم (۸۱-۹۶) برادر و جانشین تیطس که نحوه اداره امپراتوری را تغییر داد و بعد از آتش سوزیهای سال ۶۴ و ۸۰ روم را از میان خاکسترها دوباره ساخت. در دوره حکومت او رعب و وحشت حاکم بود و خود وی

در توطئه ای که زنش ترتیب داد به قتل رسید.) متی در چهره شاگردانی که دچار طوفان شده اند اعضای کلیسای خود را می بیند که ممکن است نابود شوند. ولی عیسی قبل از دیگران سوار قایق

شده است «من همیشه با شما هستم». او در خواب غفلت فرو نرفته، او ارباب و خداوندی است که «طوفان را به آرامی ساکت ساخت که موجهایش ساکن گردید» (مز ۱۰۷: ۲۹).

این داستان که در انجیل مرقس و لوقا هم روایت شده است در انجیل متی دو ویژگی برجسته دارد، ابتدا فریاد «خداوندا ما را دریاب» که همان فریادی است که مؤمنان در کلیسا بر لب دارند و سپس این نکته که عیسی پیش از آن که طوفان را ساکت کند «کم ایمانی» و

**شاگردان در طوفان. نقاشی قرن ۱۳.**

حتی بی ایمانی شاگردان را سرزنش می کند. این موضوع در سرتاسر کتاب مقدس، از صحف انبیا تا واعظان یهودی و مسیحی مرتباً تکرار می شود. کلیسا همواره به علت کم ایمانی مسیحیان در معرض خطر قرار دارد ولی عیسی همیشه در قایق حضور دارد.

### موعظه سر کوه (متی ۵-۷)

در کلیساهای متی تورات (شریعت)، انبیا و نوشته ها به خوبی شناخته شده هستند. اعضای کلیسا آنها را می خوانند و در آنها تفکر می کنند. از سوی دیگر متی در انجیل بیش از دیگران صحف انبیا را یادآوری می کند. علاوه بر این تصاویری که این انجیل از عیسی ترسیم می کند و سخنان او نیز یادآور همین نوشته ها هستند. نمک، نور، چراغ، چشم، این مثالهای آشنا یادآوری می کنند که از هنگام دعوت ابراهیم برای اطاعت از خدا تا امروز همه ایمانداران بایستی در ارتباطی کامل، بی وقفه و بدون قید و شرط با خدا زندگی کنند. در موعظه سر کوه عیسی شش بار نوشته های تورات را با این عبارت یکسان ذکر می کند: «خوانده اید که... ولی من به شما می گویم...» عیسی از فرمول مباحثات علمای یهود استفاده می کند تا دیدگاهی شخصی را به پیش ببرد و این در مقایسه با روش سنتی تعلیمات یهود، روش تازه ای به حساب می آمد.

بعد از ویران شدن معبد در سال ۷۰، علمای یهود مذهب اسرائیل را بر اساس الهیات فریسی بازسازی کردند (شورای جمنیا). متی طوری از اختلاف بین یهودیان و مسیحیان حرف می زند که انگار این اختلاف از زمان عیسی وجود داشته است: «در کنایس ایشان تعلیم می داد» (۲۳:۴، ۵۴:۱۳)، «بعضی را در کنایس خود تازیانه زدند» (۲۳:۳۴). کلیساهای متی با فاصله گرفتن از یهودیت بدون آن که خود را جایگزین قوم اسرائیل کنند، بر طبق الگوهای جوامع یهودی سازماندهی می شدند یعنی مجمع مشایخ و رئیس آن مسئولیت کلیسا را به عهده داشتند. متی نشان می دهد که عیسی از میان دوازده شاگرد خود اولویتهایی به شمعون بطرس داده بود: «... تویی بطرس و بر این صخره کلیسای خود را بنا می کنم» (۱۶:۱۹۱۷).

### قانون زندگی در جوامع مسیحی (متی ۱۸)

متی برای بازگویی مجموعه سخنان عیسی جهت روسای جوامع مسیحی، سؤالی درباره سلسله مراتب مطرح می کند که «در ملکوت آسمان چه کسی از همه بالاتر است؟» عیسی با حرکتی نمادین به این سؤال پاسخ می دهد: کودکی را در آغوش می گیرد، طفلی کوچک و ناتوان که هیچ ادعایی ندارد. او از شاگردانش می خواهد تا دیدگاه خود را نسبت به «کوچکان» در کلیسا تغییر دهند. منظور از کوچکان افرادی هستند که با هر سن و سالی که



باشند به دیگران وابسته اند و کسی به حرفهایشان اعتنایی نمی کند. حقیر شمردن یکی از این کوچکان به معنی حقیر شمردن خود عیسی است. از سوی دیگر باید بدانیم که کلیسا با ملکوت یکی نیست بلکه کلیسا انسانها را به سوی ملکوت دعوت می کند. پس باید در جوامع مسیحی نظم و انضباط اجتماعی را به خوبی به کار بست، نه برای طرد کردن بلکه برای پذیرش و بخشش.

این دستورات خطاب به کلیساهایی است که از نظر قدرت اجرایی دچار مشکل هستند و می خواهند برخی از اعضای خود را طرد کنند (۱۸:۱۵-۱۷). متی این بخش را با روایت بدهکار بی رحم پایان می دهد: «پس آیا تو را نیز لازم نبود که بر همقطار خود رحم کنی چنان که من بر تو رحم کردم؟» (۱۸:۳۳). متی به مسئولینی که در صدد بودند نظم و آرامش را با اعمال زور و اخراج افراد برقرار نمایند قواعد زندگی را نشان می دهد، نوعی «قانون حقیقی و عادلانه» که بر اساس شفقت و بخشش استوار است. شاید این مهمترین بخش تعلیمات متی یا بهتر بگوییم تعلیمات عیسی در کلیساهای متی باشد. این است آنچه باید رعایت کرد و دیگران را تشویق به رعایت آن نمود: «زیرا جایی که دو یا سه نفر به اسم من جمع شوند آن جا در میان ایشان حاضرم» (۱۸:۲۰).

## کلیساهای یوحنا

جوامع مسیحی یوحنا را می‌توان از طریق انجیل و رسالات یوحنا شناخت. این متون بنیانی با ویژگی‌های بسیار خاص خود به زبانی نمادین نگاشته شده‌اند و درک عمیقی از راز مسیح در آنها دیده می‌شود. تاریخ هیجان‌انگیز این جوامع اصیل را با هم مطالعه می‌کنیم.

مقدمه انجیل یوحنا ما را مستقیماً به عمق شناخت مسیح که در واقع اساس حیات جوامع مسیحی بنا شده توسط یوحناست هدایت می‌کند: مسیح کلمه خداست، کلامی که دنیا و هر آنچه در آن است توسط وی ساخته شده. او از ابتدا نزد خدا بوده و این کلمه‌ای که از ابتدا وجود داشته در عیسی جسم گرفت. این شیوه از معرفی وجود زمینی عیسی بسیار عمیق و گویای بررسی وسیعی در علم الهیات است. یوحنا از واژه‌ای استفاده می‌کند که برای فلاسفه یونان بسیار عزیز بود: لوگوس به معنی کلمه و سخن که اساس همه چیز است. با این حال در همین انجیل و از همان باب اول عناوین یهودی زیادی از قبیل برگزیده خدا، بره خدا، مسیح، همان که موسی درباره اش گفته، پسر خدا، پادشاه اسرائیل... به عیسی نسبت داده می‌شود. این عناصر نشان‌دهنده این هستند که جوامع یوحنایی احتمالاً منشائی دوگانه از یهودیان و همین‌طور از امتها داشته‌اند. اعضای یهودی این کلیساها از جمله یهودیان تعمیدی بودند که عیسی با ایشان روابط تقریباً نزدیکی داشت. ولی تاریخ به همین جا ختم نمی‌شود. این کلیساها روز به روز از راست دینی یهود فاصله گرفته درهای خود را به سوی دنیای امتها می‌گشودند و با طرز فکرهای تازه و گوناگونی روبرو می‌شدند که به سختی جنبه بشری پسر خدا را می‌پذیرفتند. انجیل یوحنا همچنین به اخراج مسیحیان از کنایس یهود که در حوالی سال ۹۰ رخ داد اشاره می‌کند. بنابراین در نوشته‌های گروه یوحنایی تاریخ کامل قرن اول کلیسا بازتاب دارد.

### گروههای برخاسته از تعمیدیان

این کلیساها وابسته به شاگردی هستند که از همان ساعتهای نخست بعد از تعمید با عیسی روابط نزدیکی داشت. انجیل یوحنا در واقع تنها انجیلی است که در مورد تعمید افراد توسط عیسی سخن می‌گوید (۱:۴). نخستین کسانی که عیسی از آنها دعوت نمود به دنبالش بروند عضوگروهی بودند که به یحیی تعمید دهنده ملحق شده بودند (۱:۳۵-۳۹). این آیات در واقع به نخستین لحظه‌های تشکیل گروههای یوحنایی اشاره دارند. آنها یهودیانی بودند که به گفته پیامبر صحرائشین در انتظار زمانهای آخر بودند. آنان روابط خود را با معبد قطع کرده خود را برای ظهور نهایی خدا آماده می‌کردند. این افراد با آن که جزو شاگردان عیسی و به

رستاخیز او ایمان آورده بودند وابستگی شدید خود را با یهودیت حفظ کردند هرچند که راهی کاملاً جدید در پیش گرفتند.

گروههای یوحنایی که ریشه‌های تعمیدی داشتند خیلی سریع عیسی را نسبت به یحیی در مقام بالاتری قرار دادند. آنچه در مورد یحیی می‌گفتند همه جنبه منفی داشت: او آن نور نیست (۹:۱)، او مسیح، الیاس یا آن نبی نیست (۱۹:۱-۲۰، ۲۸:۳. رک. ۹:۱، ۲۹:۳، ۳۰:۳، ۴۱:۱۰). بنابراین به نظر می‌رسد که شاگردان یوحنا از سایر گروههای تعمیدی فاصله گرفته باشند. در مورد این گروهها، از کتاب اعمال رسولان پی می‌بریم که چنین گروههایی در زمان پولس، حدود سالهای ۴۸-۵۰ م. نیز وجود داشته‌اند (اع ۱۹:۱-۵).

### گسستن از یهودیت

همانطور که قبلاً گفته شد جوامع یوحنایی در ابتدا از مسیحیان یهودی تبار شکل گرفته بودند، در نتیجه جدا شدن تدریجی شاگردان عیسی از جامعه یهودیان برایشان تجربه سختی بود. چه بسا لحن جدلی و انتقادآمیز مباحثات مسیح با «یهودیان» در انجیل یوحنا از همین موضوع ناشی شده باشد. به عنوان مثال روایت کور مادرزاد، بیانگر مخالفت و حتی دشمنی فریسیان با این شخص بعد از بینا شدن است. بحث آنها در مورد کار عیسی و نیز رعایت شریعت موسی و اصل و نسب عیسی است و مجادله آنها به این شکل خاتمه می‌یابد: «لکن الان می‌گویید بینا هستیم پس گناه شما می‌ماند» (۴۱:۹). قسمت اعظم این مباحثه در مقولات فکری یهودیان صورت می‌گیرد ولی از مسیحیان یوحنایی خواسته می‌شود از این قبیل افکار فاصله بگیرند. احتمال داشت والدین شخص نابینا را از کنیسه اخراج کنند (۲۲:۹) و کارهایی از این گونه حتی قبل از پایان قرن اول حقیقتاً صورت می‌گرفت.

تا آنجا که سنت کلیسا بیان می‌کند گروههای یوحنایی در افسس مستقر بودند. این گروهها که ابتدا در فلسطین تشکیل یافته بودند بعدها نقل مکان نمودند. مهاجرت آنان تنها جغرافیایی نبود بلکه مهاجرت فرهنگی هم بوده است. گروههای مسیحیان یهودی تبار در دنیای یونان آن زمان مستقر شدند و خود را به سوی افق‌های تازه گشودند. چندین نشانه برای درک این موضوع وجود دارد. اول اینکه کلماتی مثل «مسیح» (۴۱:۱) یا «ربی» (۳۸:۱) توضیح داده شده‌اند، دیگر اینکه از گروههای یونانی‌الاصل در ۲۰:۱۲-۳۰ سخن به میان آمده است. در مقدمه انجیل نیز تلاش زیادی برای معرفی ایمان مسیحی به فرهنگ یونانی آن عصر دیده می‌شود.

### بررسی رسالات یوحنا

هر سه رساله یوحنا با تمام اختصاری که دارند اطلاعات خوبی در مورد وضعیت جوامع

یوحنایی در اختیار ما قرار می‌دهند. رساله اول خطاب به مسیحیان کلیسایی است که ظاهراً با تبلیغات بدعت‌آمیز مواجه شده‌اند. این رساله در اواخر قرن اول نوشته شده و در آن زمان بسیاری مسیح بودن عیسی را انکار می‌کردند (۱- یو ۲: ۲۲). در این رساله سؤالاتی مطرح می‌شود که مسیحیان قرن دوم میلادی را برآشفته و منقلب خواهد کرد و گفتگوهای تنیدی ما بین کلیساهای که هر یک مدعی «ایمان واقعی» هستند پیش خواهد آورد. موضوع این مباحثات، توصیف هویت حقیقی عیسی به عنوان انسان و خداست که البته تا زمان تعریفات روشنگر و قطعی مجامع بزرگ قرن چهارم و پنج ادامه خواهد داشت.

رساله دوم و سوم یوحنا خطاب به جوامع دوردستی است که نویسنده می‌خواهد به دیدار آنها برود. از این نکته می‌فهمیم که گروه‌های یوحنایی همه در یک مکان مستقر نبودند. مسلماً کسی که در این نوشته‌ها با عنوان «پیر» سخن می‌گوید دارای اختیاراتی است. او در پی برپایی مجدد اتحاد اعضای کلیساهای است حال آن که واعظان اجنبی باعث بروز تفرقه در میان‌شان شده بودند (۲- یو ۹-۱۱). جوامع یوحنایی که در پایان قرن اول سازماندهی شدند این موضوع مهم برایشان مطرح بود که مسؤولان کلیساهای بر چه اساسی باید انتخاب شوند؟ چه کسی باید صاحب اختیار و اقتدار باشد و به چه استنادی؟ مشاجرات تنیدی بین گروه‌های رقیب در جریان بود. در ضمن به وجود واعظان سیاری هم پی می‌بریم که با ورود به این اجتماعات می‌بایست نظر مساعد آنها را جلب کنند (۳- یو ۹-۱۱). پیوندهای اتحاد عملاً با پذیرفتن یا رد کردن مبشران کلیساهای دیگر مشخص می‌شود.

### زندگی شخصی مسیحی

چهارمین انجیل به هیچ عنوان توجهی به سازماندهی کلیسا ندارد، کلمات «رسول» یا «کلیسا» در آن به چشم نمی‌خورند. الگوی ایمانداران فرد گمنامی است که با عنوان کلی «شاگردی که عیسی او را محبت می‌کرد» معرفی می‌شود و تنها علامت مشخصه‌اش این است که عیسی او را دوست می‌داشت. اگرچه اجتماع وابسته به یوحنا رسول او را این شاگرد می‌داند ولی این نکته اهمیت زیادی ندارد. تأکید این انجیل بیشتر بر داشتن روابط شخصی با عیسی است و همه ایمانداران به یک اندازه شاگرد هستند. مثل گوسفند و شبانی که نام هر یک را می‌داند (۳: ۱۰) یا شاخه‌های تاک که همه توسط یک ریشه حمل و تغذیه می‌شوند (۱۵) توصیف‌کننده روابطی کاملاً شخصی بین مسیح و ایمانداران است. از هیچ‌گونه نهاد و سازمانی سخن به میان نمی‌آید و تنها شناخت و محبت عیسی نسبت به تک تک افراد حائز اهمیت است.

## روابط با سایر کلیساهای

دعوت به زندگی در اتحاد تنها به اعضای کلیساهای محدود نمی شود بلکه روابط کلیساهای یوحنا با سایر کلیساهای نیز مد نظر است یعنی «کلیسای بزرگ که مظهر آن پطرس است. روایات مربوط به پطرس و «شاگرد محبوب» از جمله روایت ورود به قبر عیسی (۱:۲۰-۱۰) و همچنین آخرین صحنه این انجیل (۲۱:۲۰-۲۴) حاکی از این موضوع است. هر گروه تجربیات خود را بیان می کند و دعوت خاص خود را دارد ولی تجربیات و بیان سایر کلیساهای را رد نمی کند بلکه برعکس همگی نشانگر یک حقیقت واحد در مسیح قیام کرده هستند. این اجتماعات و روابطی که خواهان آن بودند به ما نشان می دهند که گشودن درها به سوی یکدیگر در حفظ حیات قدرتمند کلیسا اهمیت خاص دارد.



یوحنا رسول در سفر بشارتی. نقاشی متعلق به قرن ۱۴.

## کلیساهای توما

به غیر از کلیساهای بسیاری که از همان قرن اول در محدوده امپراتوری روم به وجود آمده بودند کلیساهای دیگری خارج از مرزهای روم، در سمت شرق در شهری به نام ادسا واقع در بین النهرین تشکیل یافته بودند. پس در منطقه مجاور خودمان نیز شهری وجود دارد که کلیسا از همان قرن اول در آن ایجاد شده باشد که به اصطلاح پیشینیان کلیسای شرق گفته می‌شد چون این کلیسا خارج از محدوده امپراتوری روم به طرف مشرق بوده است. به علاوه باید گفت که این کلیسا نخستین کلیسایی است که در خارج از امپراتوری روم ایجاد شد. در آن زمان ادسا مرکز کشور پادشاهی کوچکی به نام اسروئن بود و ایمان مسیحی خیلی سریع در آنجا ریشه گرفت تا حدی که در دوره سلطنت ابگر نهم (۱۷۹-۲۱۴) مذهب رسمی اعلام شد. مسیحیت از همین شهر کوچک در دوره اشکانیان وارد ایران شد و بعدها سلسله ساسانیان (در سال ۲۲۶) جانشین این سلسله شد. پس ما در ایران، دلایل بسیاری داریم که نسبت به این کلیسا علاقه مند باشیم و سؤالاتی در مورد آن مطرح کنیم، سؤالاتی از قبیل این که چگونه انجیل از امپراتوری روم خارج شد؟ این کلیسا کی و توسط چه کسی بنیانگذاری شد؟ آیا عهد جدید در مورد این مأموریت شگفت‌انگیز حرفی می‌زند؟

متی در انجیل خود از همان ابتدا در حکایت تولد عیسی به «مجوسیانی که از مشرق آمده بودند» (۱:۲) اشاره می‌کند. آنها بی‌شک ستاره شناسانی غیر یهودی بودند، چون هنگامی که به اورشلیم رسیدند برای کسب اطلاع در مورد محل تولد «پادشاه یهود» به صاحب منصبان آنجا مراجعه کردند. این حکیمان که در جستجوی نور بودند بدون تردید از بابل می‌آمدند چون علم ستاره شناسی در آنجا بسیار رواج داشت. به هر حال متنی که در انجیل متب باب ۲ نوشته شده برای ما نشانه‌ای با ارزش است چون نشان می‌دهد که از همان زمانی که متی انجیل خود را می‌نوشته توجه مسیحیان فلسطین به آن سوی مرزهای امپراتوری روم، به سوی سرزمینهای گسترده‌ای که نور انجیل در آنها شروع به تابیدن کرده بود جلب می‌شد.

این موضوع اصلاً تعجب‌آور نیست. طبیعی است که مسیحیان یهودی الاصل روابط مذهبی، تجاری و حتی خانوادگی خود را با اجتماعات یهودی که در بین النهرین زندگی می‌کردند حفظ کرده باشند. در واقع از زمان تبعید یهودیان به بابل (۵۹۵-۵۳۸ ق.م) خانواده‌های زیادی در آن منطقه باقی مانده بودند که بسیاری از آنها زندگی راحت و موفق داشتند. این اجتماع یهودی با اورشلیم و اجتماع یهودیانی که به سرزمین مقدس بازگشته بودند ارتباط خود را حفظ کرده بود.

از سوی دیگر در کتاب اعمال رسولان (۹:۲) می‌خوانیم که تعداد زیادی از یهودیان برای

اجرای مراسم مذهبی مربوط به عید پنطیکاست یهودیان به اورشلیم آمده بودند و این افراد شاهد تشکیل کلیسا توسط نزول روح القدس شدند. لوقا برای این که ابعاد جهانی این واقعه را نشان بدهد نام مناطق اطراف ما را ذکر می کند «پارتیان، مادیان، ساکنان بین النهرین...» در اینجا نیز می بینیم که توجه مسیحیان به سوی منطقه ما و خارج از مرزهای امپراتوری روم جلب شده است. ذکر این نامها در کتاب اعمال رسولان بسیار قابل توجه است چون این کتاب فقط انتشار مسیحیت را به جانب روم یعنی پایتخت امپراتوری شرح داده است. لوقا به فکر نوشتن تاریخ تمام کلیساهای نیست بلکه با توضیح چگونگی انتشار ایمان مسیحی تا مرکز امپراتوری از ما دعوت می کند تا عمل روح القدس را در تمام کلیساهای بینیم.

ذکر نامهای «پارتیان و مادیان» در ابتدای کتاب اعمال رسولان نشان می دهد که او فریب نقشه ای را که در این کتاب طرح کرده نخورده است، انتشار مسیحیت به طرف روم تنها یک نمونه است و دربر گیرنده تمامی واقعیت نیست. اما عنوان کتاب کمی انسان را دچار اشتباه می کند. اگر این کتاب به راستی اعمال تمامی رسولان را توضیح می داد پس باید گفت که اکثر آنها کاری انجام نداده اند! در واقع از دوازده رسولی که عیسی انتخاب کرده بود تنها اسم تعداد معدودی از آنها ذکر شده مثل پطرس، یعقوب، یوحنا... پس بقیه آنها چه می کردند؟

روایتی قدیمی و قابل اعتماد برای پاسخ به این سؤال ما وجود دارد. توما ی رسول به کمک حواری دیگری به نام تدی و دو شاگرد به نامهای آدای و ماری که در منطقه ادسا مستقر شدند کلیسای ناحیه ما را پایه گذاری کردند (شهر ادسا که در جنوب ترکیه قرار دارد امروزه اورفا نامیده می شود). بعد از مدتی توما از تدی جدا شد و تدی کار بنیاد کلیسا را به تنهایی ادامه داد در حالی که توما به هندوستان رفت و در همان جا نیز شهید شد. بقایای مقبره او امروزه در شهر میلایور در حومه مدرس به چشم می خورد.

اطلاعات ما درخصوص آغاز بشارت انجیل در ایران و ادامه آن تا هندوستان بسیار ناچیز است چون مدارک قدیمی بسیاری در طول جنگهای مختلف و نیز در زمان ورود پرتغالیها به هندوستان در آغاز قرن پانزدهم از میان رفته است. با این حال به عقیده بسیاری از وقایع نگاران اجتماعات مسیحی از اواخر قرن اول در ادسا و هند و نیز از آغاز قرن دوم در ایران، در دوره امپراتوری اشکانیان وجود داشته است و نیز کلیسای ایران در شهر سلوکیه-تیسفون (در حوالی بغداد فعلی) بنا شده بود.

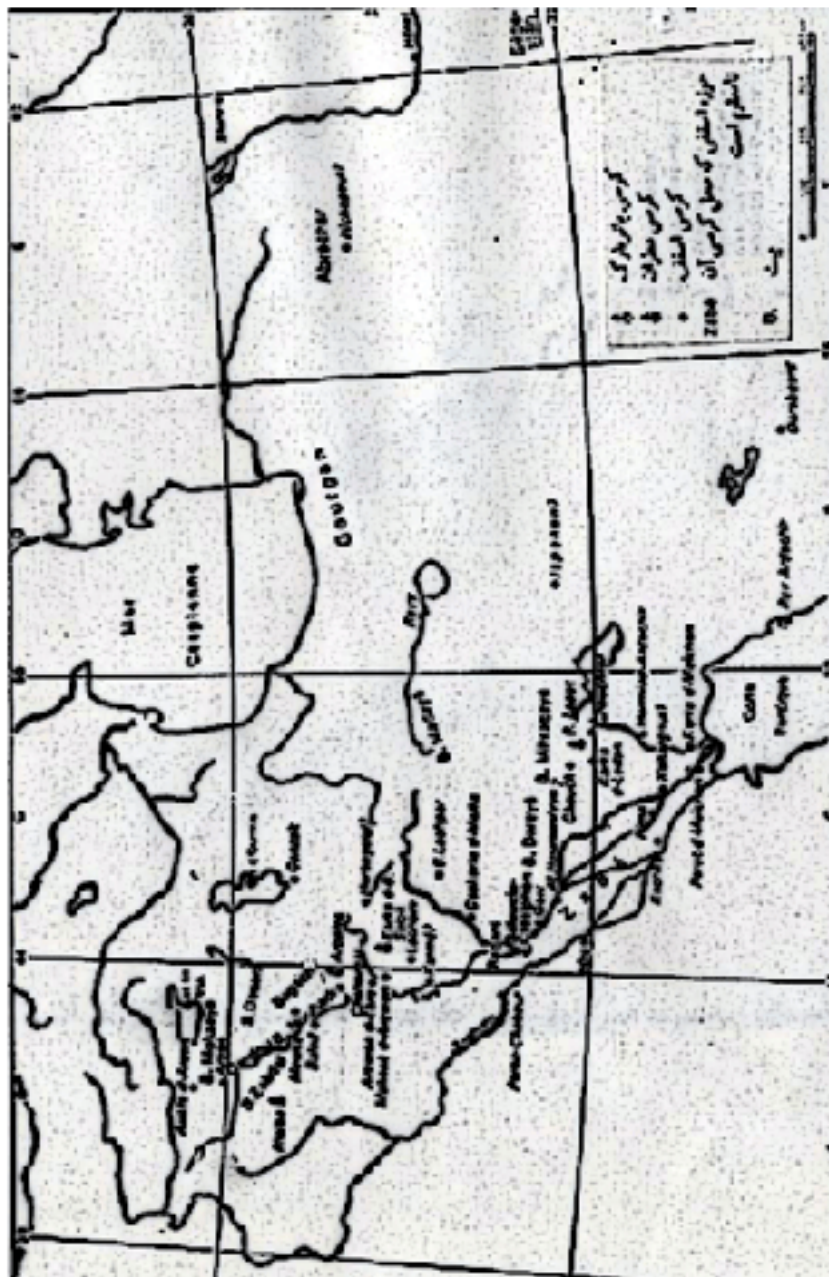
تأسیس کلیسا در ایران به دو علت بود، اول این که بازمانده یهودیان در بین النهرین ارتباط خود را با اورشلیم حفظ کرده بودند و بدین ترتیب «مژده» خیلی زود به گوش آنها رسید و باعث ایمان آوردن عده ای گشت. کلیسای ما کمتر تحت تأثیر فرهنگ و فلسفه شکوفای یونانی که در امپراتوری روم رواج داشت و در تمام کلیساهای غرب نفوذ کرده بود قرار داشت و به همین خاطر به منابع آرامی و کتاب مقدسی نزدیکتر بود.

از سوی دیگر جنگهای مداوم امپراتوری های فارس و روم موقعیت خوبی برای نقل مکان ساکنان مسیحی سوریه روم به سوی امپراتوری فارس فراهم آورده بود، این افراد به همراه اسقفان و کشیشان خود به ایران می آمدند و کلیساهایی ایجاد می کردند که به تدریج خود را با فرهنگ بومی آن محل وفق می دادند. مذهب ساکنان امپراتوری فارس در آن زمان آیین مزدا بود. کمی بعد مذهب مزدایی مذهب رسمی اعلام شد و به علاوه خصوصتهای امپراتوری روم و فارس تشدید گردید. این دو عامل باعث شدند مسیحیان فارس مدتها تحت جفا قرار بگیرند و بسیاری از ایشان شهید شوند. اما بذر انجیل که احتمالاً توسط توما در این منطقه کاشته شده بود ریشه کن نشد بلکه شاخه های مهمی نیز یافت که تا آسیای مرکزی، امپراتوری مغول و چین تا قرن سیزدهم توسعه پیدا کرد. گسترش کلیسای ما به سمت شرق چندان هم تعجب آور نیست. با در نظر گرفتن راههای تجاری آن دوره می بینیم که «جاده های ابریشم» از همان دوره از آسیا عبور می کردند یا از طریق دریا و خلیج فارس یا توسط کاروانهایی که دشتهای مرتفع آسیای مرکزی را به سوی چین طی می کردند. در میان این بازرگانان با پشتکار، تعدادی ایماندار بوده اند و به ایمانشان شهادت می دادند.

پس می توانیم اعلام کنیم که کلیسا از گذشته ای بسیار دور در سرزمین ما وجود داشته است. این اجتماعات در جریان تاریخ مشخصات بارزی به خود گرفته اند:

- نزدیکی آنها به تعالیم کتاب مقدس
  - استعداد این کلیساها در جذب گروههایی که ریشه های مختلفی داشتند.
  - ایستادگی آنها در مقابل جفاها و سختی های طولانی
  - قبول مسؤولیت مأموریتی که عیسی به عهده کلیساها واگذار کرده بود، مأموریتی که ثمرات زیادی در آسیا به بار آورده است.
  - و بالاخره دور شدن تدریجی این کلیساها از امپراتوری روم و کلیساهای لاتین و بیزانس، کلیساهایی که خیلی زود وجود «مسیحیان تومای رسول» را از یاد بردند.
- به نظر بسیاری از نویسندگان کلمه «شرق» نمایانگر حوزه شرقی امپراتوری روم بود که به همراه انطاکیه به عنوان پایتخت آن در برگیرنده سوریه کنونی، لبنان و گوشه ای از خاک اردن بود. به نظر عده ای دیگر این واژه بعد از دروان کنستانتین نمایانگر قسمت شرقی امپراتوری روم و بیزانس بود که قسطنطنیه پایتخت آن به حساب می آمد و در برگیرنده مناطق وسیعی از مصر تا ترکیه و یونان بود. با این حال یک معنی دیگر را نباید از نظر دور داشت یعنی شرق امپراتوری روم و آن سوی مرزهای غربی آن که مشتمل بر امپراتوری فارس و آسیای مرکزی و هند می شود.





به احتمال بسیار قوی مار ماری که از شاگردان تومای رسول بوده در اواخر قرن اول میلادی به شهر تیسفون آمده و در محلی در حومه این شهر کلیسایی به نام کوخه برپا نمود. که بعدها کلیسای مرکزی شرق گردید و از آنجا به سوی آسیای دور گسترش یافت. در این نقشه که مربوط به کلیسای پارس در سال ۴۹۷ است نه تنها حوزه های اسقفی شرکت کننده در مجمع اسقفان بلکه حوزه هایی نیز که در مجمع قبل و بعد از سال ۴۹۷ شرکت نموده اند نشان داده شده است.



لوح گرانی که صلیب بخصوصی روی آن نقش شده و حکایت آن به سالها قبل مربوط می شود و صلیب روی آن به «صلیب تومای رسول» معروف است. اصل این کاشی را می توان در کلیسائی واقع در کوتایام در جنوب هندوستان دید. در بالای این لوح که مربوط به قرن ششم است به زبان فارسی باستان (پهلوی) نوشته هائی دیده می شود و در پائین آن به زبان آرامی حروفی نوشته شده است. این لوح نمایانگر ریشه ایرانی این اجتماعات است که در قرن ششم در هندوستان می زیسته اند.

در این شرق وسیع به یاد می آوریم که تعداد زیادی از یهودیان در زمان تبعید به بابل به اسارت آورده شده بودند و بسیاری از ایشان در زمان کورش کبیر ترجیح دادند که در همان جا بمانند و به اورشلیم بازنگردند، چنان که در زمان عیسی تعداد این اجتماعات مهم یهودی در بین النهرین حدود یک میلیون نفر تخمین زده می شد. با این حال می دانیم که این یهودیان در تماس دائم با اورشلیم بودند. در کتاب اعمال رسولان به پارتها، مادیان، ایلامیها، ساکنان بین النهرین (اع ۲: ۹) اشاره شده که در بین سایر یهودیان به مناسبت عید به اورشلیم آمده بودند. پس به طور طبیعی خبر خوش رستاخیز مسیح در غرب انطاکیه پیچید و از همان جا به ادسا و سپس به پایتخت امپراتوری فارس، سلوکیه تیسفون که در نزدیکی بغداد کنونی است

رسید. آیا متی برای نمایاندن انتشار سریع و مخفیانه کلیسا به سوی شرق بود که از همان بدو تولد عیسی به مجوسیانی اشاره می‌کند که از مشرق برای پرستش آن پادشاه اسرارآمیز آمده بودند که به تازگی در بیت لحم به دنیا آمده بود؟ و اگر لوقا در اعمال رسولان فقط از انتشار کلیسا به سوی روم سخن می‌گوید، بدین معنی نیست که در مورد کلیسای شرق که از همان آغاز کتابش به آن اشاراتی می‌کند چیزی نمی‌داند، بلکه او بجای نوشتن تاریخچه کلیسای اولیه به معرفی «انجیل روح القدس» می‌پردازد و عمل اعجاب انگیز وی را در کلیسا و در قلب شاهدان وفاداری از جمله پولس و شاگردانش به ما می‌نمایاند. برای این کار او مأموریت به سوی پایتخت امپراتوری روم را نمونه قرار می‌دهد. البته عنوان کتاب او، «اعمال رسولان» مغلطه‌آمیز است. این خود لوقا نبوده که چنین عنوانی را برای این کتاب نهاده چون در کتاب اعمال او فقط از سه یا چهار تن از رسولان صحبت می‌کند. آیا سایر رسولان کمتر از این سه یا چهار تن نسبت به عیسی و به مأمورینی که پیش از صعود او از وی یافته بودند وفادار مانده بودند؟

در مورد تومای قدیس، رسول شرق، سنت کلیسا به ما می‌آموزد که او و عده زیادی از شاگردان که از جمله مارآدای و مارماری را می‌توان نام برد، به سوی ادسا و از آنجا به سوی امپراتوری فارس رفت و از همراهان خویش در آنجا جدا شد و ایشان در قرن اول کلیسا را مخصوصاً در سلوکیه تیسفون بنیان نهادند. کلیسای ایران خیلی آرام و تدریجی و در صلح و آرامش توسعه می‌یافت تا زمان روی کار آمدن سلطنت ساسانیان که مذهب زرتشت را مذهب دولتی اعلام کردند و شکنجه و آزار شدیدی بر مسیحیان وارد نمودند. این امر تا زمان استیلای اعراب و سقوط سلطنت ساسانیان ادامه یافت.



شمایل تومای رسول به صورت موزائیک، کلیسای بیژانتین، قرن پنجم، در شهر راون در ایتالیا. بر طبق روایات توما در امپراتوری فارس و امپراتوری هندوستان بشارت می‌داد.

## مسیحیان و یهودیان

نخستین مسیحیان همگی مثل عیسی یهودی بودند و تردیدی در تعلق خود به یهودیت نداشتند. ولی اگر به پایان قرن اول بنگریم شکافی بین مسیحیان و یهودیان می بینیم: آنها دو گروه جدا از هم را تشکیل داده اند. چه اتفاقی افتاده است؟

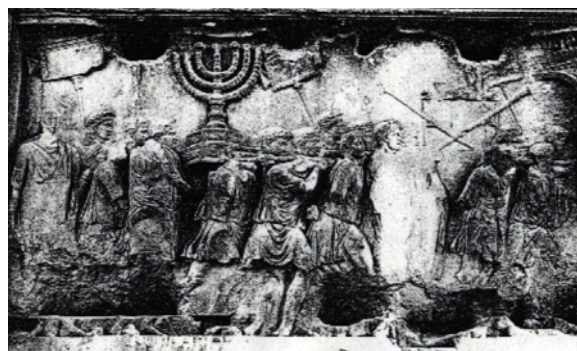
مسیح و مسیحیان اولیه نمی خواستند آیین یهود را ترک کنند، بهتر است این طرز فکر اشتباه را که در اذهان بسیاری جای گرفته از خود دور کنیم. مسیحیان از تداوم یا به کمال رسیدن عهد موسی در عهد جدید در عیسی سخن می گفتند. آنان تداوم عهد موسی و نوسازی آن را توسط قیام مسیح و آمدن ملکوت خدا می دانستند.

### یهودیانی که مسیحی شده اند

تا سال ۷۰ میلادی خصوصیت مسیحیان کثرت گرایی آنها بود. کلیسای اورشلیم عزت و احترام خاصی داشت چون عیسی در آن شهر تعلیم داده و جان باخته بود. کتاب اعمال رسولان، پطرس، یوحنا و پولس را در حال شرکت در مراسم پرستشی معبد نشان می دهد. پولس همیشه یهودی بودن خود را اعلام می کرد: «روز هشتم مختون شده و از قبیله اسرائیل از سبط بنیامین عبرانی از عبرانیان...» (فی ۳:۵). مسلماً مشکلاتی اینجا و آنجا در فلسطین پدید آمده بود. مشاجره انطاکیه که در اعمال باب ۱۵ نقل شده و نیز اغتشاشاتی که توسط مسیحیان در روم به وجود آمده بود (چون امپراتور کلود در سال ۴۹ یهودیان را وادار به ترک روم کرد) نمونه هایی از این مشکلات هستند ولی اینها باعث جدایی مسیحیان و یهودیان نشدند. مسیحیت در بدو پیدایش نهضتی در درون یهودیت و نوعی «فرقه یهودی» محسوب می شد. هرچند از نظر الهیات تفاوتهایی داشتند ولی جنبه های عملی آنها یکی بود. از حدود سال ۵۰ به بعد مرکز ثقل مسیحیت به تدریج از اورشلیم به انطاکیه منتقل شد چون دعوت بت پرستان با موفقیت چشمگیری روبرو شده بود لیکن شرایط تاریخی خاصی وجود داشت که به این جدایی سرعت بخشید.

### ویرانی معبد در سال ۷۰

سال ۷۰ نمایانگر نقطه عطفی در تاریخ یهودیت و مسیحیت نوپا بود، سالی که اورشلیم پس از چهار سال نبرد بی رحمانه علیه ملی گرایان یهود توسط رومیان تسخیر شد. ژنرال تیتوس در رأس سپاهیان رومی وارد اورشلیم شده معبد را که آخرین پایگاه مقاومت بود به اشغال خود



سربازان رومی شمعدان بزرگ معبد اورشلیم را به غنیمت می برند. طاق یادبود امپراتور تیتوس در رم.

درآورد. معبد به آتش کشیده شد و هزاران نفر یهودی به قتل رسیده یا به بردگی فروخته شدند. این پایان دوره ای از یهودیت بود. صدوقیان که نهضتی مذهبی و جناح سیاسی کاهنان اعظم بودند مانند معبدشان ناپدید گشتند. در سال ۷۳ دهمین لشکر رومی در برابر مقاومت غیوران به پیروزی دست یافتند. اما اسنیان از همان ابتدای جنگ جایگاه خود را در

قمران رها کرده پراکنده شدند. از آن پس جریانهای یهودیت به فریسی گری که خود را درگیر زنده نگاهداشتن سنتهای به ارث رسیده از پدرانشان کرده بود تقلیل یافت. مسیحیان اورشلیم شهر را ترک کرده در آن سوی اردن در «پلا» پناه گرفتند. بعد از سال ۷۰ جوامعی چند از یهودیان مسیحی شده باقی ماندند (که رساله به عبرانیان شاهدهی بر آن است) اما مسیحیان بیش از پیش از امتها بودند.

### جدایی بعد از سال ۷۰

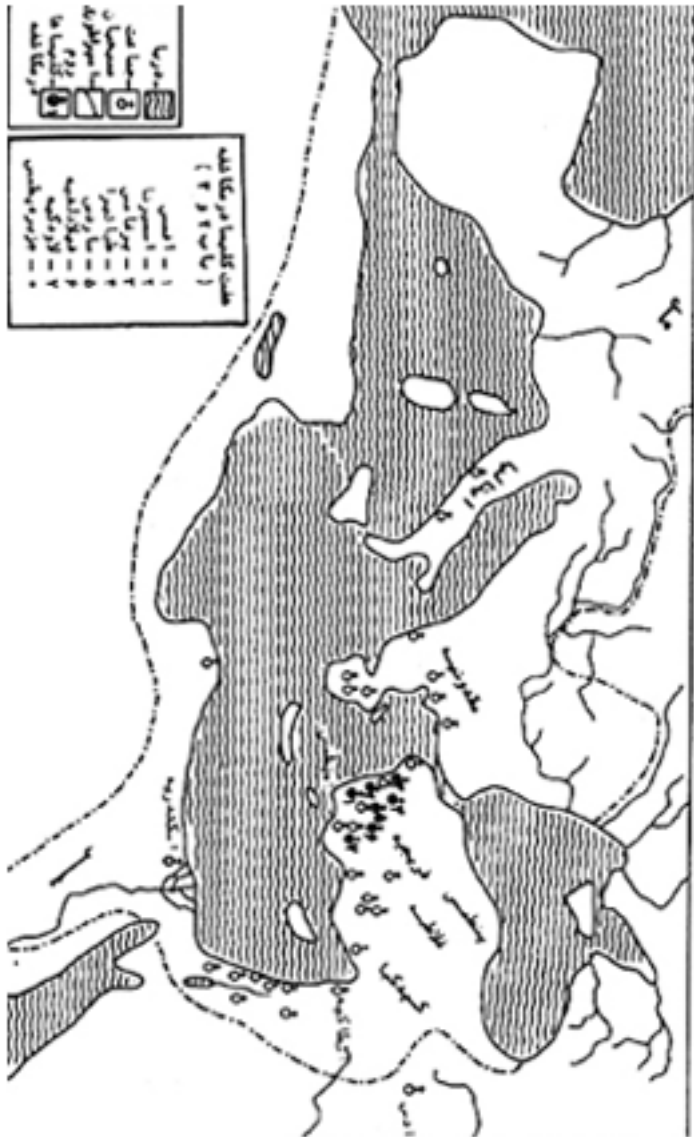
در هنگام محاصره اورشلیم، فریسیان تحت رهبری ربی یوحنا بن زکی به جامنیا گریخته بودند. در همین شهر کوچک ساحلی واقع در جنوب تل آویو فعلی بود که «شورای جامنیا» جان تازه ای به یهودیت بخشید. به ویژه آنکه آنان فهرست کتابهای بر حق عهد عتیق را تنظیم و تثبیت نمودند و کلیه نوشته هایی را که با آیین فریسی مطابقت نداشتند حذف کردند. فریسیان در جامنیا لعنتهایی علیه مرتدان و جدایی طلبان در دعای بزرگ «۱۸ برکت» وارد کردند تا جلوی دعا کردن «ناصریان» یعنی شاگردان عیسای ناصری را در کنیسه ها بگیرند. گسستگی و جدایی به اوج خود رسید. از آن پس مسیحیت فرقه ای یهودی مخالف شریعت تلقی می شد که توسط ربی های یهود طرد شده بود. سخنان تندی که عیسی در انجیل متی خطاب به فریسیان می گوید (باب ۲۳) و انتقاداتی که از فریسیان در انجیل یوحنا آمده در جواب تصمیمی بود که در جامنیا اتخاذ شد.

نخستین پیامد این جدایی از دست دادن حمایتهای قانونی بود که یهودیان از آن بهره می جستند. یهودیان می توانستند علناً دور هم جمع شوند و مبالغی را برای هیکل یا اجتماعات خود جمع آوری کنند. بدین ترتیب مسیحیت توسط صاحب منصبان رومی «مذهب ممنوعه»

اعلام شد و این امر بیانگر جفاهایی است که در قرن دوم و سوم بر کلیسا وارد می‌آمد. ولی با این احوال نیز کلیسا در اثبات وفاداری خود به امپراتوری می‌کوشید: از نویسندۀ اعمال رسولان که پولس را شهروندی نمونه معرفی می‌کند تا ژوستین شهید که آخرین رساله دفاعی خود را خطاب به امپراتور نوشت (حدود سال ۱۵۰) و بدین وسیله دربارهٔ دین مسیحی توضیحاتی می‌دهد تا اتهامات و زمزمه‌های بدخواهانه را پایان بخشد.



کامن اعظم یهود



## در جاده های امپراتوری روم

نویسنده کتاب اعمال رسولان آخرین سخنان مسیح را طوری بیان می کند که گویی در مورد انتشار جغرافیایی مسیحیت سخن می گوید: «...شاهدان من خواهید بود در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان» (۸:۱). بخش عمده ای از تاریخ انتشار جغرافیایی انجیل برای ما نامعلوم است (به عنوان نمونه در سوریه و بین النهرین). اطلاعات اساسی ما درباره دوران رسولان از کتاب اعمال رسولان به دست آمده است.

### گرداگرد پطرس

نخستین بشارت انجیل توسط دوازده رسول به رهبری پطرس ابتدا در اورشلیم (اع ۲:۵) و بعد از سال ۳۰ میلادی در جلیل صورت گرفت. ایمان آوردن کرنلیوس یوزباشی (۱۰:۱)، نمایانگر پذیرش گرم پیام انجیل توسط برخی بت پرستان است. یهودیان یونانی تبار که به مسیح ایمان آورده بودند بر اثر جفاهایی که به ایشان وارد می شد در سامره و یهودیه (۸:۱) و حتی فنیقیه، قبرس و سوریه (۱۱:۱۹-۲۲) پراکنده شدند و از سال ۳۶-۳۷ به بعد در آنجا به بشارت انجیل پرداختند. در حوالی سال ۴۳ جلسه تعیین کننده ای در انطاکیه برگزار شد و بشارت انجیل به امتهای برای اولین بار مطرح گردید.

### سفرهای پولس

دومین مرحله انتشار جغرافیایی انجیل توسط پولس شروع شد. او که توسط مسیح قیام کرده مأموریت یافته بود کلام خدا را به امتهای بشارت دهد به همراه برنابا از طریق قبرس به آسیای صغیر عزیمت نمود (۳:۱۳). آنها موعظت خود را بیشتر در شهرهایی از قبیل انطاکیه پیسیدیه، ایقونیه و غیره انجام می دادند. پولس در سفر دوم خود به همراه سیلاس به انطاکیه سوریه و همچنین به زادگاه خود طرسوس سفر کرد و از طریق فریجیه و غلاطیه تمامی آسیای صغیر را تا سواحل غربی پیمود. وی از دریای اژه عبور نمود و با ورود به شهر فیلیپی در مقدونیه به اروپا رسید، سپس از طریق تسالونیک به آتن رفت و توقف دراز مدتی در قرنتس که دومین شهر امپراتوری با جمعیتی معادل ۵۰۰۰۰۰ نفر بود نمود. وی دوباره به آسیای صغیر بازگشت، به افسس و ملیطه رفت و بالاخره پس از سفری فراموش نشدنی در دریای مدیترانه (که طی آن کشتی پولس روبروی جزیره مالت غرق گردید) در بندر اوستیای روم از کشتی پیاده شد و در آنجا گرچه تحت نظر بود با این حال اجتماعی مسیحی که اصل و ریشه آن برایمان مجهول است او را پذیرفتند.



### در جاده ها همچون فلاسفه

صلح و آرامشی که در امپراتوری روم برقرار بود تجارت، تبادل افکار و مسافرت را تسهیل نموده بود. امپراتوری روم با بهره جستن از زندانیان محکوم به اعمال شاقه و نیز لژیونرها توانسته بود در قرن اول میلادی یکی از مهمترین راههای ارتباطی را در اختیار داشته باشد که مرکز امپراتوری را به دور افتاده ترین شهرهای آن متصل می کرد. این راههای معروف رومی که با تخته سنگهای بزرگ فرش شده بودند و کشورها را به هم و شهرهای داخلی را به بنادر متصل می کردند در درجه اول برای پیکهای سلطنتی و تجارت اشیای لوکس استفاده می شدند اما مسافران بیشماری هم در این راهها سفر می کردند. فلاسفه دوره گرد این راهها را با پای پیاده منزل به منزل طی می کردند با چوب دستی درازی به دست و ردایی بر تن که استفاده های گوناگونی از آن می کردند و بار سفرشان به روی قاطری بسته شده بود. آنها ترجیحاً به طور دسته جمعی مسافرت می کردند تا مبادا گرفتار راهزنان شوند. مبشران مسیحی نیز همین کار را می کردند. آنان هر روز حدود ۳۵ کیلومتر راه می پیمودند و کلام خدا را در کنایس، مکانهای عمومی و مدارس تعلیم می دادند و شبها در مسافرخانه های سر راه به مباحثه می پرداختند، البته اگر سفارش نامه ای با خود داشتند می توانستند لااقل شب را مهمان یکی از ساکنان منطقه باشند. رساله سوم یوحنا نمونه خوبی در این مورد است.

### از اوستیا تا اسکندریه در نه روز

بخش اعظم تجارت از طریق دریا صورت می گرفت ولی در طول زمستان به علت طوفانهای سخت دریانوردی ممنوع بود (اع ۲۷:۹). پر رفت و آمدترین خطوط دریایی مسیر اوستیا به اسکندریه در مصر (که ۹ روز طول می کشید)، اوستیا به آتن و اوستیا به افسس از طریق قرنتس بود. عبور از دماغه ۶ کیلومتری و انتقال بار و مسافران یک کشتی به کشتی دیگر توسط دهها هزار برده باربر صورت می گرفت که تعدادی از ایشان تعمید گرفته بودند. برای تحمل مسافرتهایی نظیر سفرهای پولس، پشتکاری منحصر به فرد و ایمانی قوی لازم بود. «... سه کت شکسته کشتی شدم، شبانه روزی در دریا به سر بردم. در سفرها بارها در خطرهای نهرها، در خطرهای دزدان... در خطرهای شهر، در خطرهای بیابان، در خطرهای دریا، در خطرهای در میان برادران کذب! در محنت و مشقت، در بی خوابیها، بارها در گرسنگی و تشنگی، در روزه ها بارها در سرما و عریانی، بدون آنچه علاوه بر اینهاست...» (۲- قرن ۱۱: ۲۵-۲۸). اگر پولس به این چیزها افتخار می کند تنها به این دلیل است که قوت کلام مسیح در ضعفهای او نمایان شده است. قدرت انجیل است که ایمانی زنده را در مسیحیان اولیه به وجود آورد.

## آیا اعمال رسولان کتابی تاریخی است؟

جماعت کثیر یهودیان و بی پرستانی که به کلام خدا ایمان می آوردند، ایماندارانی که همه چیز خود را با هم تقسیم می کردند، اجتماعات پرشور و متحد... و کسانی که امروزه عهد جدید را می خوانند می خواهند بدانند که آیا توصیف لوقا از کلیسای اولیه واقعاً حقیقت دارد؟ آیا کتاب اعمال رسولان حقیقتاً روایتی تاریخی است؟

پولس بعد از واقعه ای که در راه دمشق برایش رخ داد مدتی در این شهر ماند و سپس راهی اورشلیم شد تا رسولان را ملاقات کند. آنها وقتی متوجه شدند خطر مرگ پولس را تهدید می کند وی را به بازگشت به طرسوس تشویق نمودند. چگونه می توان این سخن لوقا (اع ۹: ۱۹-۳۰) را با اظهارات پولس مطابقت داد که می گوید رسولان را بعد از ۱۴ سال یعنی بعد از اقامت در عربستان که لوقا در مورد آن صحبتی نمی کند در اورشلیم ملاقات کرد (غلا ۱: ۱۵-۲: ۱)؟ چرا لوقا در مورد درگیری شدید پولس و بطرس در انطاکیه سخنی نمی گوید (غلا ۲: ۱۱-۱۴)؟ چرا در مورد بحرانی که در غلاطیه رخ داده بود و پولس را وادار به نوشتن چنین رساله پرشور و آتشینی ساخت هیچ نمی گوید؟ آیا می توان به تصویری که در اواخر کتاب اعمال رسولان از پولس ترسیم شده اعتماد کرد؟ وی پولس را همچون یهودی مصمم و پرشوری که برای زیارت اورشلیم و انجام مراسم پنطیکاست عجله دارد نشان می دهد. (اع ۲۰: ۱۶). وقتی نوشته های لوقا را با اظهارات پولس در رسالاتی که نوشته مقایسه می کنیم این سؤالات ناگزیر برایمان مطرح می شوند.

## آیا لوقا مورخ بدی است؟

هیچ دلیلی وجود ندارد که به صداقت یکی از این دو نفر شک کنیم. ولی بین یک متن دست اول و متنی که دهها سال بعد نوشته شده مسلماً متن نخست اولویت دارد. بنابراین با دیدگاه جدید تاریخی بسیار محتمل است که لوقا چند اشتباه کوچک در مورد پولس و بطرس و زندگی آنها کرده باشد. او ذکر برخی اتفاقات را فراموش می کند و نیز تقدم و تأخر وقایع را رعایت نمی کند و گاهی هماهنگی زمانی ندارد. آیا او مورخ بدی است؟ فکر نمی کنم چنین باشد. لوقا نیز همانند بسیاری دیگر از تاریخ نویسان معاصرش وقایع را از تفسیر آنها جدا نمی کند. اندیشه او در مورد تاریخ با تفکر ما متفاوت است.

لوقا بیشتر به تفکیک خطوط قدرت می اندیشد و به منظور این کار چند واقعه پر معنی را انتخاب کرده طوری آنها را کنار هم قرار می دهد که خواننده ارتباط منطقی آنها را با یکدیگر

حس کند. نحوه تاریخ نویسی او بر پایه اثبات و استدلال نیست، او بحث نظری نمی کند بلکه تنها به تعریف وقایع می پردازد.

### آیا خوانندگان اعمال رسولان را بد می خوانند؟

مشکلاتی که در هنگام مطالعه کتاب اعمال رسولان پدیدار می شوند ممکن است به این دلیل باشد که خوانندگان آن را بد می خوانند. ما مدتها روایات لوقا را چون گزارشی خبری در نظر می گرفتیم و با اناجیل نیز همین کار را می کردیم. صاحب نظران کتاب مقدس و توصیه های اخیر انجمن کتاب مقدس به ما هشدار می دهند که مطالعه کتاب مقدس به این سبک بسیار بنیادگرایانه خطرانی به دنبال دارد. کتاب اعمال رسولان بر وقایع تاریخی مبتنی است و جنبه داستانی ندارد، اما وقایع را به صورت گزارش خام بیان نمی کند بلکه حاوی تفسیری از وقایع نیز هست و در عین حال شامل بازخوانی ایمان توسط اولین جوامع مسیحی نیز می شود.

بنابراین خوانندگان باید وارد فضای روایت لوقا شوند. این کتاب به شکل اثری هنری است که در آن کل اثر حائز اهمیت است و نه جزئیات هر بخش. ابتدا باید دریابیم که قوه محرکه ای که باعث ایجاد این اثر شده همان قوه محرکه ای است که در کلام خدا وجود دارد. مرده ای که عیسی در انجیل اعلام نموده اکنون توسط جوامع مسیحی «... در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان» (اع ۱: ۸) اعلام می شود. این طرح کلی کتاب و اعتقاد نویسنده آن است.

### کلامی خطاب به تیوفلس

لوقا در ابتدای هر دو اثر خویش منظور و نیت خود را به وضوح ابراز می کند. او می خواهد «روایتی مرتب» برای دوست خود تیوفلس بنویسد تا او را در استحکام ایمانش تقویت بخشد (لو ۱: ۱-۴). لوقا برای سرگرمی به عقب نگاه نمی کند بلکه بر داستان عیسی و جوامع آن دوره تکیه می کند تا «کلامی» برای امروز ارائه دهد. در ضمن واژه کلام (کلمه) در انجیل سوم واژه ای کلیدی است.

وقایعی که او تعریف می کند از میان هزاران واقعه برگزیده شده اند. ذکر این وقایع برای سرمشق دادن به جوامعی است که تحت جفا قرار گرفته و دستخوش ارتداد و تفرقه شده اند. لوقا مشکلات کلیسای نوبنیاد را پنهان نمی کند ولی آن را بدتر از آنچه هست نیز نشان نمی دهد. او به جای آن که بر اختلاف پولس و پطرس تأکید کند هر دوی ایشان را تحسین می کند، به جای آن که به نقش ظالمانه حکومت امپراتوری روم اشاره کند به تعریف از مدیریت خوب آن و رفتار وفادارانه مسیحیان نسبت به این امپراتوری می پردازد. لوقا ارزش

«جامعه نجات» را که خود عضوی از آن به شمار می‌رود در نظر تیوفلس و دنیای روم جلوه می‌بخشد.

## خادمین در جوامع مسیحی

نخستین جوامع مسیحی تنوع زیادی در زمینه سازماندهی، خدماتها و «رسالتها» داشتند چرا که نیازها، وضعیت و تاریخشان با هم متفاوت بود. فقط در رسالات پولس ۲۴ نوع عطای روحانی برشمرده شده است. با هم آنها را دقیق تر بررسی کنیم.

در عهد جدید اصطلاحاتی در رابطه با خدماتها می یابیم که تا اندازه ای نامشخص و متغیر هستند. این موضوع به ویژه در باره واژگان «خدمت=diakonia» و «خادم=diakonos» صادق است چرا که می توان آنها را برای هر نوع خدمتی به کار برد یا وظایف مشخص و متنوعی را با آنها تعیین نمود مانند: فعالیتهای انسان دوستانه همبستگی، مسئولیتهای اجرایی یا حتی وظایف خاصی در آیین مقدس.

علاوه بر این، ممکن است که یک خدمت در جوامع مختلف مسیحی با کلمات متفاوتی توصیف شود. در جامعه مسیحیان یهودی تبار، معمولاً صدارت این جوامع با کشیشان (پیران) بود: پدران خانواده که مورد احترام و متنفذ بودند شورای جامعه را تشکیل می دادند. در جامعه مسیحیان یونانی تبار، این وظیفه بعدها مشخص شد و به ناظران یا «اسقفان» (episcopos) تخصیص یافت (فی ۱:۱؛ ۱- تیمو ۳:۱-۲؛ اع ۲۰:۲۸). در جوامعی که پولس تأسیس نمود و خود مسئول مستقیم آنها بود، وظیفه تعلیم دادن را معلمان (didascales)، انجیل نگاران، شبانان و حتی انبیا انجام می دادند. بعداً در رساله به تیموتائوس و تیطس که بدون شک توسط یکی از جانشینان حضرت پولس بعد از شهادت وی نوشته شده اند، وظیفه تعلیم دادن مختص کشیشان و اسقفان می گردد (رجوع کنید به «یاداشتهایی برای تعمق صفحه ۵۳»).

## رسولان

مهمترین وظیفه متعلق به رسولان است (۱- قرن ۱۲: ۲۸) زیرا واژه رسول به معنای «فرستاده شده»، مبشر سیار (مسافر) و مؤسس کلیساهاست. پولس رسول بارها این واژه را بکار می برد. حضرت لوقا اولین بار این واژه را حدود سالهای ۸۰ میلادی به معنایی دقیق برای مشخص نمودن اولین مؤسسين کلیسا یعنی گروه دوازده شاگرد که عیسی آنها را برگزید و فرستاد بکار برد. لوقا همین طور در کتاب اعمال رسولان از مسئولین دیگری که مختص کلیساهای یونانی تبار است صحبت می کند یعنی گروه هفت شاگرد که غالباً با شماسان اشتباه گرفته می شوند. آنان همانند گروه دوازده، مبشرین و موعظه کنندگان بودند همان طور که در متون مربوط به استیفان و فیلیپس (اع ۶-۸) می بینیم. جهت اجتناب از خطای تاریخی،

بایستی از بکار بردن نام رسولان در طی زندگی عیسی خودداری نمود و نام زیبایی را که



مسیح و رسولان.

کنده کاری روی عاج. بیزائین قرن ۶.

آنان را انتخاب نمود تا تمامی قوم جدید خدا را گردآوری نموده آن را سازمان دهند همان گونه که فرزندان یعقوب قوم قدیم خدا را گردآوری نموده آن را در دوازده قبیله تشکیل دادند (پید ۴۹). یوحنا هرگز گروه دوازده را «رسولان» نمی نامد. متی و مرقس تنها یک بار (مت ۲:۱۰؛ مر ۶:۳۰) کلمه رسولان را بکار می برند. ولی لوقا برخلاف آنان، واژه «رسولان» را ۶ بار در انجیل خود و ۳۲ بار در اعمال رسولان به کار می برد. آیا ممکن است لوقا اصطلاحی را که بعد از پنطیکاست در جوامع مسیحی رایج شد به خود عیسی نسبت داده باشد در حالی که پولس نه تنها واژه «رسولان» را برای «گروه دوازده» بلکه برای خودش که مثل «طفل سقط شده» بود اما با فیض خدا رسول امتها گردید، به کار می برد (روم ۱:۱؛ ۱- قرن ۱۵:۸-۱۰). پولس کسانی را که ادعای

رسول بودن می کنند اما عیسی آنها را نخوانده است متهم به دروغگویی می کند: «چنین اشخاصی رسولان کذب و عمل مکار هستند که خویشان را به رسولان مسیح مشابه می سازند» (۲- قرن ۱۱:۱۳) و از این متون می فهمیم که بعضی ها می خواستند میان مسئولین تفرقه بیندازند یا با صحبت از «بزرگترین رسولان» اقتدار و اختیار وی را کم کنند، لقبی که پولس گاهی آن را مسخره می کند (۲- قرن ۱۱:۵، ۱۱:۱۲). بالاخره لقب رسول در رساله به عبرانیان به خود عیسی داده می شود: «... رسول و رئیس کهنه اعتراف ما یعنی عیسی...» (عبر ۳:۱).

### جایگاه کشیشان کجاست؟

می دانیم که خادمین مسیحی هرگز «کاهن» نامیده نشده اند. به یاد داشته باشیم که این واژه جدا از کاربرد آن برای کاهنان یهودی، در رساله به عبرانیان (۱۷ بار) به مسیح و زمانی

که در نامه اول پطرس (۲:۵-۹) و مکاشفه (۱:۶، ۵:۱۰، ۲۰:۶) این آیه از سفر خروج «شما برای من مملکت کهنه و امت مقدس خواهید بود» (۱۹:۶) ذکر می‌شود که مربوط به قوم عهد عتیق گرد آمده در پای کوه سینا است، اشاره به قوم مسیحی دارد. تنها در اوایل قرن دوم و چند سال بعد از درگذشت آخرین رسول بود که واژگان مربوط به خدمتها در کلیسا با الهام از کهنات یهودی در عهدعتیق تکامل یافت. این تقدیس‌گرایی منجر به سلسله مراتبی کاملاً مشخص با سه مقام گردید: اسقفان، کشیشان و شماسان. همان‌طور که در نامه‌های ایگناتیوس انطاکیه و در کتاب سنت رسولی مشاهده می‌شود آنان شروع به استفاده از واژه Hiereus به معنای کاهن برای مسئولین جامعه نمودند. این تکامل به سوی درک کهناتی از خدمت این خطر را دربر دارد که کشیش را بیشتر در رابطه با وظیفه‌ای که مربوط به آیین نیایش دارد بنگریم تا در رابطه با وظیفه خدمت در سرپرستی جوامع مسیحی.

### خدمتهای گوناگون

از نامه‌های پولس رسول به خوبی درمی‌یابیم که عطایای روح القدس متعدد (۱- قرن ۱۲:۴-۱۴) و احتیاجات روحانی مردم نیز گوناگون هستند بنابراین خدمتهای کلیسا نیز باید متنوع باشد. به دو مثال در این باره توجه کنید:

#### ۱- راهب یا متاهل

عطیه روح القدس و برکت خداوند باعث می‌شود که بعضی از تعمید یافتگان در راهب (یا راهبه) شدن و مجرد ماندن (۱- قرن ۷:۷: رک. مت ۹:۱۰-۱۲) و برخی دیگر در محبت و وفاداری ازدواج (افس ۵:۲۴-۳۲) زندگی کنند.

پولس که نعمت خاص پارسایی و مجرد را دریافت نموده بود آرزو داشت که دیگران نیز مانند او زندگی کنند (۱- قرن ۷:۷) تا بتوانند کاملاً و با آزادی تمام به خدمت خداوند پردازند (۱- قرن ۷:۳۲) و از آنجا که مسئولیت خاصی در مورد همسر و فرزند ندارند بهتر می‌توانند در خدمت فقرا باشند و نیز به خاطر رنج و جفایی که در این دنیا برای شاهدان مسیح وجود دارد بهتر این است که مجرد بمانند (۱- قرن ۷:۲۶). همین‌طور در قیصریه، دختران فیلیپس مبشر باکره بوده و با نبوت نمودن در کلیسا خدمت می‌کردند (اع ۲۱:۹). اهمیت بسزای مجرد در راه مسیح در ارتباط با راز کلیسا، عروس مسیح است. توسط این دعوت یادآوری می‌شود که همگی به ملکوت خدا دعوت شده‌ایم و تنها هدف اساسی محبت ما، مسیح یگانه داماد کلیساست.

راهب شدن و همچنین ازدواج کردن دو راه مکمل برای برپا داشتن فیض تعمید مسیحیان است. کلیسا برای بیان راز خود هم به راهبان و هم به متاهلان نیاز دارد. ازدواج نشانه‌ای از شادی ما به خاطر حضور یکتا داماد نوین، مسیح زنده در میان ما و راهب شدن بیانگر اشتیاق

و انتظار ما برای آمدن پر جلال مسیح و کامل شدن کلیسا در عهد و اتحاد و عروسی با اوست.

## ۲- کشیشان راهب و کشیشان متاهل

کلیساهای حتی الامکان ترجیح می دهند که خادمین خود را از میان راهبان انتخاب کنند اما از آنجا که هر جامعه مسیحی این حق را دارد که از راز قربانی مقدس برخوردار گردد نمی توان آن را به فیض مجرد کشیشان در آن جامعه مشروط کرد.

از اناجیل پی می بریم که پطرس زن داشته (مر ۱: ۱۳) و به احتمال قوی بقیه رسولان شاید به استثنای یوحنا همگی ازدواج کرده بودند و بر طبق آنچه پولس می گوید برخی از آنان در مسافرتها خانواده هایشان را با خود می بردند: «آیا اختیار نداریم که خواهر دینی (زن مسیحی) به زنی گرفته همراه خود ببریم مثل سایر رسولان و برادران خداوند و کیفا؟» (۱- قرن ۵: ۹). بنابراین کلیساهای ابتدا خادمین خود را از میان مردان متاهل نیکوکار و پدران خانواده که دارای تجربه باشند نیز انتخاب می کردند (۱- تیمو ۳: ۲-۵).

بنابراین در نتیجه مطالب فوق باید درباره عطایای مختلف روح القدس بیشتر بیندیشیم و آنها را در خودمان و در دیگران تشخیص دهیم تا هر کس جایگاه و مسئولیت خود را در کلیسا پیدا کند و همکاری کنیم و به این موضوع توجه نماییم که طبق گفتار پولس رسول کوچکترین اعضای کلیسا و ناچیزترین عطایای روح القدس در واقع از همه مهمتر است: «چشم دست را نمی تواند گفت که محتاج تو نیستم یا سر پایها را نیز که احتیاج به شما ندارم بلکه علاوه بر این آن اعضای بدن که ضعیفتر می نمایند لازمتر می باشند و آنها را که پست تر اجزای بدن می پنداریم عزیزتر می داریم و اجزای قبیح ما جمال افضل دارد» (۱- قرن ۱۲: ۲۱-۲۳). همه ما باید بدانیم که بزرگترین و مهمترین عطایای روح القدس محبت است (۱- قرن ۱۳: ۱۳-۱۴). هیچوقت باور نکنیم که یک نفر بتواند تمامی عطایای روح القدس را داشته باشد: «خدا قرار داد بعضی را در کلیسا؛ اول رسولان، دوم انبیا، سوم معلمان، بعد قوات، سپس نعمتهای شفا دادن و اعانات و تدابیر و اقسام زبانها. آیا همه رسول هستند یا همه انبیا یا همه معلمان یا همه قوات یا همه نعمتهای شفا دارند یا همه به زبانها متکلم هستند یا همه ترجمه می کنند؟» (۱- قرن ۱۲: ۲۸-۳۰)

علاوه بر سه مقام و مرتبت رسمی و دستگذاری شده که می شناسیم حضرت پولس درباره همکاران بیشمار مرد و همچنین زن صحبت می کند، به مانند گروهی که به دور عیسی بود و گرچه موقتی اما در رسالت وی شرکت می جستند از جمله ۷۲ شاگردی که عیسی پیش روی خود فرستاد (لو ۱۰: ۱-۱۲). در نظر داشته باشید که در این گروه شاگردان وفادار، زنان نقش اول را ایفا می کردند چرا که بدون آنان گروه دوازده نمی توانست به زندگی با عیسی ادامه دهد (لو ۸: ۱-۳). علاوه بر این زنان بودند که مأموریت یافتند به پطرس اعلام کنند که عیسی زنده است و رستاخیز نموده (یو ۲۰: ۱۷؛ لو ۲۳: ۵۵، ۲۴: ۹-۱۱) زیرا این زنان



وفاداران در پی عیسی رفته بودند. پولس فهرست متحیر کننده‌ای از تعداد همکارانش در نامه به رومیان (۱:۱۶-۳) به ما ارائه می‌دهد. زنان زیادی را می‌بینیم که بعضی‌ها مجرد بودند مانند فیبی خادمهٔ کلیسا (روم ۱:۱۶-۳) یا مانند پرسکلا که ازدواج کرده ولی اسمش قبل از اسم شوهرش اکیلا آمده (روم ۳:۱۶؛ رک. اع ۱:۱۸-۳، ۲۶). مسئولیت‌های این زنان چه بود؟ ممکن است مسئولیتشان پذیرایی در جامعه یا مانند پرسکلا تعلیم گروندگان جدید بوده باشد. وانگهی پولس تأیید می‌کند که زنان می‌توانند در اجتماعات دخالت داشته و دعا و نبوت نمایند (۱-قرن ۱۱:۵). پس چرا در ادامه همان مطلب می‌نویسد: «زنان شما در کلیساهای خاموش باشند» (۱-قرن ۱۴:۳۴-۳۵)؟ می‌دانیم که جامعه قرن‌تس در نشان دادن احساسات بسیار افراطی بوده و رسول می‌خواهد در این جامعه خودجوش و لبریز تا اندازه‌ای نظم برقرار کند.

### تاریخی که ادامه دارد

نباید دوران اولیهٔ کلیسا را به صورت دورانی ایده‌آل تصور نمود همان‌گونه که لوقا در اعمال رسولان سعی در انجام آن دارد. میان مسیحیان یهودی تبار و مسیحیان غیریهودی تنش‌های مذهبی و فرهنگی وجود داشت و مسائلی بودند که نمی‌شد آنها را سریعاً حل و فصل نمود. پرواضح است که عیسی کلیسایی کامل با تمامی قوانینی که امروزه می‌شناسیم به پطرس نسپرد. کلیسا از روز اول تأسیسش کامل است و این به خاطر عطیهٔ روح القدس و راز تعمیدی است که ما را در فیض رستاخیز شرکت می‌دهد. ولی کلیسا فرستاده شده و احتیاجات آن به تدریج رشد نموده و تحت حرکت هدایت‌گر روح القدس تکامل یافته است، احتیاج در جهت اعلام انجیل، تربیت گروندگان جدید، تعمق بخشیدن تربیت و تعلیم کسانی که می‌خواهند مسئولیتی در کلیسا به عهده بگیرند و سازماندهی جامعه‌ای که به تدریج خدمت‌هایی بر اساس پایه‌هایی که مسیح به رسولانش داد در آن رشد یافتند. این خلاق بودن کلیساهای اولیه ما را بر آن می‌دارد که در ضمن وفادار ماندن به سنت زنده و به اساس تعلیم مسیح به رسولان، همچنین به احتیاجات جدید جامعه و دعوت کسانی که هنوز عیسی را نشناخته‌اند دقت و توجه کنیم.

## نخستین مراسم عشای ربانی

«در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می نمودند»  
(اع ۲:۴۲). همه اجتماعات مسیحی مراسم عشای ربانی را در همه دوران ها به جای آورده اند  
با این حال عهد جدید حاکی از شکل‌های مختلف آن است که حتی از نظر الهیاتی نیز با هم  
تفاوت دارند.



همان طور که می‌دانید قدیمی‌ترین توصیف شام آخر عیسی در رساله اول قرن‌تیان ۲۳:۱۱-۲۶ ذکر شده و نه در انجیل نظیر. پولس به خاطر تبعیضاتی که بین افراد فقیر و ثروتمند در هنگام شام خداوند پیش می‌آمد مجبور بود نکاتی چند را بدیشان در مورد این شام اتحاد یادآوری کند. او سنتی را یادآوری می‌کند که خودش در حوالی سالهای ۳۶-۴۰ در دمشق با آن آشنا شده و هنگامی که کلیسای قرنتس را پایه‌گذاری کرد آن را بدیشان نیز یاد داده بود.

چهار روایتی که در مورد برقراری این سنت موجود است به دو دسته تقسیم می‌شود: روایات پولس و لوقا (۲۰:۱۹-۲۰) که منسوب به سنتهایی است که ریشه یونانی دارند و روایات متی (۲۶:۲۶-۲۹) و مرقس (۱۴:۲۲-۲۵) که ریشه‌ای یهودی دارند. به نظر می‌رسد که روایات گروه اول به غذای عید فصح یهودیان شباهت بیشتری داشته باشد. لوقا قبل از آنکه از برقراری سنتی که در آخر شام پایه‌گذاری شد صحبت کند، از پیاله اول سخن می‌گوید. از نظر پولس و لوقا قربانی‌ای که عیسی تقدیم می‌کند «عهد جدیدی» است و شام خداوند «برای شما» است و باید آن را «به یادگاری» عیسی یعنی آن پیامبر شهید به جا آورد.

روایات متی و مرقس با غذای عید فصح یهود تفاوت دارد. کلام عیسی که می‌گوید «خون من در عهد جدید»، ما را به یاد مراسم عبادتی نخستین عهد در سینا می‌اندازد (خروج ۲۴:۸) حال آنکه الزامات باعث می‌شوند روایت به صورت «فرمول» درآید و عملی تثبیت شده را بازگو کند. چهار روایت یاد شده بر پایه چهار فعل مهم بنا شده‌اند: گرفتن، شکر کردن، پاره کردن و دادن. اینها چهار عمل اساسی هستند که تا امروز در این آیین رعایت می‌شوند.

### سنت یوحنا

در انجیل چهارم سخنی در مورد پایه‌گذاری این سنت وجود ندارد بلکه مراسم شستشوی پاها در موقع شام خداوند جایگزین آن شده است. حال آن که یوحنا بیش از هر کس دیگر در مفهوم عشای ربانی تعمق کرده است. نه تنها به این خاطر که یوحنا می‌گوید در موقع مرگ مسیح آب و خون از پهلویش جاری شد و این سمبل تعیمد و عشای ربانی است (۱۹:۳۴)، بلکه بیشتر به این خاطر که در مورد نان حیات (۶:۲۲-۵۹) صحبت مفصلی می‌کند. صحبت در مورد نان حیات به دنبال معجزه نان آمده است (۶:۱-۱۵) و در این آیات سه مورد از چهار مورد افعال فوق‌الذکر دیده می‌شوند. عیسی نانها را گرفت، شکر نمود و به شاگردان داد. «نان حیات» همان کلام عیسی است که مؤمنان را سیر می‌سازد (آیه ۳۵). این نان برخلاف «من» به آنها زندگی و قیام می‌بخشد (آیه ۴۰) و بالاخر این نان خود عیسی است، کلمه که جسم پوشید (آیه ۵۱). پایان این باب عشای ربانی را به شکلی کاملاً واقع‌گرایانه

مورد توجه قرار می‌دهد. برای داشتن حیات باید جسد و خون پسر انسان را خورد (آیات ۵۱-۵۵). «جسد و خون» در واقع همان شخص خود عیسی است (مت ۱۶: ۱۷) ولی جدا کردن نان و شراب در موقع شام آخر نمایانگر جدا شدن خون از جسد در بالای صلیب است. نان و شراب مؤمنان را در مرگ و قیام مسیح سهیم می‌کنند و باعث می‌شوند ایمانداران «در آن بمانند» (آیه ۵۶) و «به آن زیست کنند» (آیه ۵۷).

### در آغاز قرن دوم

قدیمی‌ترین دعای مربوط به آیین عشای ربانی دعایی است که در کلیساهای فلسطین و سوریه استفاده می‌شد. این دعا در تعالیم دوازده رسول (دیداکه) ذکر شده و پیرو نوشته‌های لوقاست. پیاله نخست، شکرگزاری برای نان و بعد پیاله دوم پس از صرف شام. نویسنده ناشناس این کتاب که برای رؤسای اجتماعات نوشته شده کمی بعد می‌افزاید: «روز خداوند است، جمع شوید. بعد از اعتراف به گناهان نان را پاره کنید و شکرگزاری نمایید تا قربانی شما بی‌غل و غش باشد. کسی که با یکی از همراهانش دعوا کرده نباید به جمع شما بیاید مگر آن که با او آشتی کند تا قربانی شما ناپاک نشود».

در اواسط قرن دوم ژوستین مراسم عشای ربانی را که در اجتماعات روم برپا می‌شده توصیف می‌کند. این مراسم بسیار شبیه به مراسمی است که امروزه اجرا می‌شود و اهمیتی که به جمع‌آوری کمک‌های جنسی برای فقرا و غریبان می‌دادند بسیار قابل توجه است، این کار روش قدیمی جمع‌آوری اعانه در نزد مسیحیان است. آنچه در مراسم یادبود درد و رنج مسیح و قیام او ضرورت می‌یابد آشتی کردن با خدا و رسیدگی به فقر است چون این مفهوم واقعی زندگی و مرگ عیسی است. اما امید ما نیز بسیار عظیم است: «مرگ خداوند را تا هنگامی که باز آید اعلام می‌کنید». بنا طبق مکاشفه یوحنا این بازگشت می‌تواند حتی پیش از بازگشت پرجلال باشد. «اینک بر در ایستاده می‌کوبم اگر کسی آواز مرا بشنود و در را باز کند به نزد او درخواهم آمد و با وی شام خواهم خورد و او نیز با من» (مکا ۳: ۲۰).

## کلیسا، عروس و بدن عیسی

پیشنهاد می‌کنیم در مورد دیدگاه الهیاتی مربوط به کلیسا و کلیساشناسی که در رسالات کولسیان و افسسیان به آن اشاره شده اندکی با هم تفکر کنیم. این رسالات که احتمالاً نوشته شاگردان پولس هستند (بین سالهای ۷۰-۸۰) طرز تفکر وی را که نقش مهمی در الهیات مسیحی ایفا کرده تشریح می‌کنند.

### زبانی بسیار غنی

واژه کلیسا در این دو رساله برخلاف رسالات پولس به معنی کلیسای محلی به کار نرفته است (البته به غیر از کول ۴:۱۵-۱۶) بلکه به معنی مجموعه کلیساهاست (کول ۱:۱۸، ۲۴؛ افس ۱:۲۲، ۳:۱۰-۲۱ و ۶ بار در ۵:۲۳-۳۲) بدن عیسی به معنی بدن جسمانی او نیست بلکه بدن نمادین اوست (کول ۱:۱۸، ۲۲، ۲۴، ۱۹:۲، ۱۵:۳). برخلاف آنچه در ۱-قرن ۱۲:۲۷ در مورد مسیحیان می‌خوانیم که بدن مسیح هستند، در رسالات کولسیان و افسسیان سراز بدن متمایز شده و مسیح است که به کلیسا زندگی و نمو می‌بخشد.

تصویر عروس در کتاب مقدس در واقع از کلمه «اسرائیل عروس خدا» در کتاب عهد گرفته شده است. این کلمه به ویژه در افس ۵:۲۱-۳۲ دیده می‌شود. کلیسا بعد از این به عنوان هدف زندگی و مرگ مسیح معرفی می‌شود (افس ۵:۲۵). در مرکز نقشه خدا عشق و علاقه مسیح به عنوان داماد نسبت به عروس خود قرار دارد (افس ۱:۲۲-۲۳، ۵:۳۲) و این سرانجام عهد است.

افسسیان همچنین بر تقدس کلیسا به کمک محبت مسیح تأکید دارد (افس ۵:۲۶-۲۷). کلیسا به ملکوت پسر تشبیه شده که ایمانداران به آن وارد شده‌اند (کول ۱:۱۳-۱۴) و در آن قیام کرده (کول ۲:۱۲) و به آسمان صعود کرده‌اند (افس ۲:۶). ستایش جلال خداوند که در افسسیان می‌خوانیم از این جا سرچشمه گرفته است: «مر او را در کلیسا و در مسیح عیسی تا جمیع قرن‌ها تا ابدالابد جلال باد آمین» (افس ۳:۲۱).

### پرسشهایی برای امروز

علم الهیات مربوط به کلیسا دارای نقطه ضعفها و محسناتی است. ابتدا به محسنات آن بپردازیم. کلیسا به صورت فردی درآمده و دیگر نهادی خشک و غیر شخصی نیست بلکه چهره

گرم و دوست داشتنی عروس مسیح را به خود گرفته. از آنجا که مسیح جان خود را از روی محبت به خاطر وی باخته چگونه ما می توانیم همین کار را برای او انجام ندهیم؟ ژاندارک در مقابل قضاتی که او را محاکمه می کردند گفت: «به عقیده من عیسی مسیح و کلیسا هر دو یکی است».

تقدس کلیسا به مسیحیان اجازه می دهد تا به خوبی بر مشکلات فائق آیند. همه خود را گناهکار می دانند ولی کلیسا مقدس باقی می ماند. هرچند در راه مال، قدرت و غیره فجایعی صورت بگیرد با این حال باز هم می گوییم: «من ایمان دارم به کلیسای واحد، مقدس...» اما این الهیات محدودیتها و نقطه ضعفهایی نیز دارد. تأکید بر تقدس کلیسا می تواند به صورت نقطه ضعف درآید البته در صورتی که با آن شکافهای انکارناپذیری را که مستلزم تجدید نظر هستند بیوشانیم. خیالات واهی در مورد کلیسا ممکن است به درازا کشد و رفع ابهام از آن ممکن است با رنج زیاد همراه باشد. به علاوه، اگر کلیسا «عروس بی عیب» مسیح است چگونه می توان او را با اصلاحات پاک کرد؟ بالاخره واژه کلیسا آنقدر در طول قرنها برایمان جا افتاده که ناخودآگاه کلیسای جهانی را به یادمان می آورد یعنی مکان زندگی مسیحی برای هر شخص تعمید یافته و نه کلیسای محلی. اگر کلیسا را این گونه در مرکز تاریخ رستگاری قرار دهیم ممکن است تفاوت آن را با ملکوت خدا از یاد ببریم. حال آن که ملکوت خدا پایان راه تمام بشریت است حتی کسانی که ایمان دار مسیحی نیستند.

یادداشت‌هایی برای تعمق

## اسقف، کشیشان و شماسان

### در رسالات شبانی

(اول و دوم تیموتاوس و تیتس)

امروزه اکثر دانشمندان کتاب مقدس بر این باورند که سه رساله به تیموتاوس و تیتس که به «رسالات شبانی» معروفند به دوره بعد از رسولان، بنابراین حتی به دوره بعد از پولس رسول تعلق دارند. به همین دلیل است که تاریخ نگارش آنها را معمولاً اواخر قرن اول یا اوایل قرن دوم می‌پندارند. دلایل زیادی وجود دارند که مانع انتساب نگارش این رسالات به پولس رسول می‌شوند، از میان آنها می‌توان به ویژه به کاربرد کلمات خاص و همینطور اشتغال فکری مولف و موضوعات الهیاتی اشاره نمود که در رسالات پیش از آنها وجود ندارد. با این حال این رسالات هم متعلق به سنت پولس رسول به رسمیت شناخته شده‌اند و به همان اندازه نیز اثر لوقا بشمار می‌روند.



شمایل سریانی انتخاب متیاس

در اینجا پیشنهاد می شود که بخصوص اولین رساله به تیموتاوس را مطالعه کنیم تا به اطلاعاتی درباره کلیساهایی که این سه نامه توسط یکی از جانشینان پولس رسول خطاب به آنها نوشته شده دست بیابیم. شاید خطاب به کلیساهایی باشند که در ۲- تیمو ۳: ۱۱ ذکر شده اند: انطاکیه، ایقونیه و لستره؟ در هر حال کتاب اعمال رسولان صریحاً ذکر می کند که پولس کشیشان و پیرانی در این سه شهر مقرر نموده بود (اع ۱۴: ۲۱-۲۳).

### اشتغالات فکری اساسی

با خواندن نامه اول به تیموتاوس از تکرار اصطلاحات خاصی تعجب خواهید نمود: «تعلیم صحیح» که در تضاد با افسانه ها و سخنان پوچ یا سخنان مشرکان است؛ «عبادت»؛ «اعمال نیکو و زیبا». به اشتغال خاطر دوگانه مؤلف دقت کنید: راست دینی و سازماندهی. هم و غم وی این است که تعلیم دهد، انحرافات تعلیمی و اخلاقی را تصحیح کند و به ویژه با برپا نمودن مسئولینی ارزنده جوامع مسیحی را سازماندهی کند. دیگر وقت تأسیس کردن نیست بلکه زمان سازماندهی لازم جهت تداوم این جوامع در طول زمان برای انتقال وفاداران «امانت ایمان» به نسلهای آینده است.

### سه خدمت مهم و اساسی

از نزدیک متونی را که درباره خدمتها صحبت می کنند ملاحظه کنیم:

اسقفان: ۱- تیمو ۳: ۱-۷؛ تیط ۱: ۷-۹

کشیشان: ۱- تیمو ۵: ۱۷-۲۵؛ تیط ۱: ۵-۶

شماسان: ۱- تیمو ۳: ۸-۱۳

**الف) داوطلبین این خدمتها: باید دارای چه صفاتی باشند؟ کدام یک از آنها مهم تر است؟ چه کسی باید آن را تشخیص دهد؟**

آیا وظایف خاصی برای هر یک از این سه خدمت وجود دارد؟ آیا این سه خدمت به صورت سلسله مراتب هستند؟ آیا تفاوتهایی میان وظایف اسقف و کشیش می بینید؟ توجه داشته باشید که از اسقف همیشه به صورت فرد سخن گفته می شود در حالی که دو گروه بعدی به صورت جمع ذکر می شوند: آیا اسقف رهبر و رئیس گروه کشیشان نیست؟

**ب) همچنین به گذاشتن دستها (۱- تیمو ۴: ۱۴، ۵: ۲۲؛ ۲- تیمو ۱: ۶) و جانشینی رسولی (۲- تیمو ۲: ۲) توجه کنید.**

درباره تفویض اختیارات و تقدیس این خادمین چه می دانیم؟ آیا موضوع دستگذاری و جزو این سه گروه خادمین شدن است یا انتقال قدرت؟ آنان چگونه این اقتدار را اجرا می کنند؟



ج) در پایان سعی کنیم تجزیه و تحلیل مختصری بکنیم. چه برداشت ضمنی می توان درباره کلیسا از رسالات شبانی استنباط نمود؟ نقاط قوت و ضعف آن چیست؟ چه ارتباطی با تجربه خود پولس رسول دارد؟

آیا اشتغال خاطر اصلی مؤلف این سه رساله به نظر شما برای جوامعی که می شناسید اهمیت خاصی دارند؟

## مجوسیان فارس

طبق آیین نیایش میلاد مسیح  
در کلیسای شرق آشوری (نماز لیلیا - ساپرا)

ایران مجوسیان را با هدایائی به سوی یهودیه فرستاد  
و به آنها چنین سفارش کرد:  
به سلامت بروید، به سلامت سفر کنید و به سلامت به مقصد برسید  
صلح و سلامتی شما را به سوی صلح و سلامتی هدایت کند.

به سلامت بروید،  
وارد اورشلیم شوید و درود بفرستید  
و کودکی را که در آن دیار مولود شده جويا شوید.

زانو بزیند و نیایش کنید،  
هدایای خود را تقدیم آن کودک نمائید و بگوئید:  
درود بر تو، ای شاه شاهان، ای پادشاه ادوار.

پادشاهان فارس، پادشاهان هندوستان، پادشاهان چین  
به همراه شما سر فرو می آورند و این پادشاه آل داود را نیایش می کنند.

پادشاهان ترشیش و جزیره های دور دست،  
پادشاهان شبا به همراه پادشاهان سبا  
طلای اوفیر آورده اند.

چنین است که امروز جشن و پایکوبی روز ولادت او  
در چهار گوشه جهان طنین می اندازد:  
آدمیان و فرشتگان پدر را ستایش می کنند که او را فرستاد.

پرستیدنی است این کودک که به واسطه ستاره،  
مجوسیان را ندا داد تا بیایند و او را بپرستند.  
آنان هدایائی آوردند و تقدیم آن والا حضرت نمودند: طلا، مرو و کندر.